

آنچه کودکان مسلمان نباید از آن غافل باشند

ما لا یسع أطفال المسلمین جهله

(فارسی دری)

✘ اینها مسائلی اند در دین الله متعال که کودکان مسلمان نباید از آن غافل باشند، و والدین باید این امور را از سنین پایین به فرزندان خود بیاموزانند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة



جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.



Telephone: +966114454900



ceo@rabwah.sa



P.O.BOX: 29465



RIYADH: 11557



www.islamhouse.com

به نام الله بخشنده و مهربان

مقدمه

به نام الله، و ستایش مخصوص الله است، و بعد

❖ اینها مسائلی اند در دین الله متعال که کودکان مسلمان نباید از آن غافل باشند، و والدین باید این امور را از سنین پایین به فرزندان خود بیاموزانند.

❖ این یک منهج ساده، آسان و مکمل در عقیده، فقه، سیرت، آداب، تفسیر، حدیث، اخلاق و اذکار برای کودکان و برای تمام سنین و تازه واردان اسلام است، در منازل و کودکانها و مؤسسات آموزشی، و برای حفظ و شرح داده می شود. و بر اساس فنون آن را ترتیب داده ام، و آن را به روش پرسش و پاسخ قرار دادم؛ زیرا ذهن را تیزتر می کند، و برای حفظ استوارتر است، و مربی از بین آنها آنچه را که مناسب سن آنهاست انتخاب می کند.

از الله متعال می خواهم آن را سبب منفعت قرار داده و آن را بپذیرد.

و اساس آن، این گفتار الله متعال است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (6)).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نجات دهید، چنان آتشی که مردم و سنگ آتش افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی الله را نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود انجام دهند. [سورة التحريم: ۶].

و حدیث عبدالله بن عباس (رضی الله عنه) که فرمود: روزی عقب پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم و فرمود: ای پسر، من این جمله را به تو می آموزانم: الله را حفظ کن، او تو را حفظ می کند، الله را حفظ کن، او را نزد خود خواهی یافت، اگر خواستی از الله بخواه، و اگر کمک می خواهی از الله یاری بگیر و بدان: اگر همه مردم جمع شوند تا به چیزی به تو سودی برسانند، جز به چیزی که الله برایت نوشته بود، به تو سود نرسانند، و اگر برای چیزی به تو ضرری برسانند، به تو ضرر نرسانند، مگر به چیزی که الله برایت نوشته باشد، قلم‌ها برداشته شد و کاغذها خشک شدند.»

ترمذی و احمد روایت نموده است.

در مورد اهمیت آموزش کودکان خردسال:

بر انسان واجب است که آنچه را که کودکان در دین خود نیاز دارند بیاموزاند، تا اینکه به فطرت اسلام تبدیل به یک انسان کامل، و یگانه پرست خوبی در راه ایمان باشد.

امام ابن ابی زید قیروانی رحمه الله می فرماید:

«و آمده است که آنان (کودکان) در سنین هفت سالگی باید به نماز خواندن امر شوند، و در ده سالگی بر آن کتک زده شوند، و بسترشان از هم جدا شود، بنابر این باید به آنها اموری را که الله متعال فرض گردانیده است آموزش داده شود، اعم از گفتار و پندار، البته قبل از فرا رسیدن سن بلوغ ایشان، تا این که بلوغ به سراغ شان بیاید و آن همه آموزه ها در دل‌های شان جا گرفته و روح شان به سوی آن آرام گیرد، و جوارح آنها با آنچه می آموزند انس بگیرند».

مقدمه ابی زید قیروانی (ص 5).

بخش عقیده

س 1: پروردگار تو کیست؟

ج- پروردگار من ذاتی است که من و همه جهانیان را به نعمت خود پرورش داده است.

و دلیل بر آن، این فرموده الله متعال است: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2)﴾.

ستایش الله را است که پروردگار جهانیان است.

[سورة الفاتحة: 2].

س 2: دین تو چیست؟

ج- دین من اسلام است، که عبارت است از: تسلیم شدن در برابر الله با توحید، وگردن نهادن در برابر اطاعت او و بی زاری از شرک و اهل آن.

الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...﴾

همانا دین (پسندیده) نزد الله آیین اسلام است...

[سورة آل عمران: 19].

س 3: پیامبر تو کیست؟

ج- محمد ﷺ.

الله متعال فرموده اند: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ...﴾

محمد فرستاده الله است. [سورة الفتح: 29].

س 4: کلمه توحید را ذکر کنید، و معنای آن چیست؟

ج - کلمه توحید «لا اله الا الله» می باشد، و معنای آن: نیست معبود بر حق جز الله متعال.

الله متعال فرموده اند: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...﴾

باز هم بدان که هیچ معبودی جز الله نیست. [سورة محمد: 19].

س 5: الله عز و جل کجاست؟

ج - الله متعال در آسمان بالای عرش، بالاتر از همه مخلوقات می باشد، الله متعال فرموده است:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (5).﴾

(الله) رحمان (است که) بر عرش قرار گرفت. [سورة طه: 5].

و فرموده است: ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (1). (8).﴾

او است مقتدر و توانا بر بندگان و او درستکار و آگاه است. [سورة الأنعام: 18].

س 6: منظور از گواهی دادن بر این که محمد رسول الله است چه می باشد؟

ج - معنی آن: این که الله او را بشارت دهنده و بیم دهنده به سوی جهانیان فرستاد.

پس لازم است تا:

1- در آنچه امر فرمود از او اطاعت کرد.

2- تصدیق وی در آنچه خبر داده است.

3- عدم نافرمانی او.

4- الله متعال عبادت نشود مگر با آنچه مشروع گردانیده است، و آن پیروی از سنت و ترک بدعت است.

الله متعال فرموده اند: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...﴾ [سورة النساء: 80]،

هر که رسول را اطاعت کند الله را اطاعت کرده است...، الله متعال فرموده اند: ﴿وَمَا يَنْطِقُ

عَنِ الْهَوَى (3). إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى (4).﴾

و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید، سخن او جز وحی الله نیست. [سورة النجم: 3، 4].

الله متعال فرموده اند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (2). (1).﴾

البته شما را به رسول الله اقتدای نیکوست، برای آن کس که به الله و روز قیامت امیدوار باشد و یاد
الله را بسیار کند. [سورة الأحزاب: 21].

س 7: چرا الله متعال ما را آفرید؟

ج - ما را آفریده است تا او را تنها و بدون شریک بپرستیم. نه برای لهو و بازی.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (5). (6).﴾

و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند. [سورة الذاریات: 56].

س 8: عبادت چیست؟

ج- اسم جامع همه آنچه الله دوست دارد و از آن راضی باشد اعم از گفتار و کردار باطنی و ظاهری.

ظاهری: مانند ذکر الله با زبان از قبیل تسبیح، تحمید و تکبیر، و نماز و حج.

باطنی: مانند توکل و خوف و امید.

س 9: بزرگترین وظیفه ما چیست؟

ج- بزرگترین وظیفه ما یگانه پنداشتن الله متعال است.

س 10: انواع توحید کدام ها اند؟

ج-1- توحید ربوبیت: عبارت است از اعتقاد به اینکه الله خالق و روزی دهنده و مالک و مدبر تنها و
بی شریک است.

ج-2- توحید الوهیت: و آن یگانه پنداشتن الله متعال در عبادت است، پس جز الله متعال کسی دیگر
عبادت نشود.

ج-3- توحید اسماء و صفات: عبارت است از اعتقاد به اسماء و صفات الله متعال که در قرآن و سنت
آمده است، بدون تمثیل و تشبیه و تعطیل.

و دلیل بر انواع توحید سه گانه: این فرموده الله متعال است: ﴿رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ۗ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (6). (5).﴾

همان الله که آفریننده آسمانها و زمین است و هر چه بین آنهاست، پس وی را پرستش کن و در راه بندگی او صبر و تحمل کن، آیا همنامی برای او میشناسی؟
[سورة مریم: 65].

س 11: بزرگترین گناه کدام است؟

ج - شرک ورزیدن با الله متعال.

الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (4). (8).﴾

به تحقیق که الله شرک به وی را نخواهد بخشید و بجز از آن برای هر که خواهد می بخشد، و هر کس به الله شرک آورد به دروغی که بافته گناهی بزرگ مرتکب شده است. [سورة النساء: 48]

س 12: شرک و انواع آن را ذکر کنید؟

ج- شرک: آن گردانیدن هر نوع از انواع عبادت بجز برای الله متعال است.

انواع آن:

شرک اکبر؛ مانند: فراخواندن غیر الله متعال، و یا سجده برای غیر او ذات پاک، و یا ذبح برای غیر الله عز و جل.

شرک اصغر؛ مانند: سوگند به غیر الله متعال، و یا تعویذها، و آن را برای منفعت یا دفع ضرر آویزان می شود، و مقدار کمی از ریا، مانند این که نمازگزار وقتی می بیند مردم به او نگاه می کنند، نمازش را بهتر می کند.

س 13: آیا جز الله متعال کسی دیگر غیب را می داند؟

ج - غیب را جز الله متعال کسی دیگر نمی داند.

الله متعال فرموده اند: ﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾ (6). (5).

بگو که آنانی که در آسمانها و زمین اند غیب را نمی دانند بجز الله و اینان هیچ نمی دانند که چه هنگام زنده و برانگیخته خواهند شد. [سورة النمل: 65].

س 14: تعداد ارکان ایمان؟

ج- 1- ایمان به الله متعال.

2- و فرشتگان او.

3- کتاب های او.

4- فرستادگان او.

5- و روز آخرت

6- قضا و قدر، خیر و شر آن.

و دلیل: حدیث معروف جبرئیل در صحیح مسلم است، جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: پس از ایمان به من بگو، فرمود: اینکه به الله و فرشتگانش و کتابها و رسولانش و روز آخرت ایمان بیاوری و به قضا و قدر ایمان داشته باشی.

س 15: ارکان ایمان را توضیح دهید؟

ج- ایمان به الله متعال:

❖ اینکه ایمان داشته باشی که الله تو را آفریده و به تو روزی داده است و او تنها مالک و فرمانروای همه موجودات است.

❖ او معبود است و معبودی جز او نیست.

❖ او عظیم و بزرگ و کامل است و همه حمد و ستایش از آن اوست، و برای او نام های نیکو و والاترین صفات است، او همتایی ندارد و چیزی شبیه او نیست، و او منزّه است.

ایمان به فرشتگان:

آنها مخلوقاتی هستند که الله ایشان را از نور خلق کرده است تا او را بپرستند و کاملاً تابع فرمان او باشند.

- و از جمله آنان جبرئیل علیه السلام است که بر پیامبران وحی نازل می کند.

ایمان به کتاب ها:

آنها کتابهایی هستند که الله بر پیامبرانش نازل کرده است.

مانند قرآن: بر محمد (صلی الله علیه وسلم).

انجیل: بر عیسی علیه السلام.

تورات: بر موسی علیه السلام.

زبور: بر داود علیه السلام.

صحیفه های ابراهیم و موسی: بر ابراهیم و موسی.

ایمان به رسولان:

و آنها کسانی هستند که الله متعال آنها را به سوی بندگانش فرستاده تا به آنها بیاموزاند و آنها را به

نیکی و بهشت بشارت دهد و از بدی و جهنم بیم دهد.

بهترین آنها: اولو العزم هستند، که عبارتند از:

نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ.

إبراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ.

موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ.

عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ.

محمد ﷺ .

ایمان به روز آخرت:

و آن بعد از مرگ در قبر می باشد، و در روز قیامت و روز برانگیخته شدن و حساب که اهل بهشت در خانه های خود ساکن شوند و اهل دوزخ در خانه های خود خواهند شدند.

ایمان به قضا و قدر؛ خیر و شر آن.

قدر: عقیده بر این که الله هر آنچه را که در عالم واقع می شود می داند و آن را در لوح محفوظ نوشته و وجود و خلقت آن را اراده کرده است.

الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (4). (9).﴾

[سورة القمر ۴۹].

ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم.

و آن دارای چهار مرتبه می باشد:

اول: علم الله متعال، از جمله علم قبلی او به همه چیز قبل و بعد از رخ دادن آن.

و دلیل آن قول الله متعال: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (3). (4).﴾

همانا علم قیامت نزد الله است و او باران را فرو می آورد و او آنچه که در رحم های آبستن است می داند و هیچ کس نمی داند که فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی داند که به کدام سرزمین مرگش فرا می رسد، که تنها الله دانا و آگاه است. [سورة لقمان: 34].

دوم: الله متعال آن را در لوح محفوظ نوشته است، همه چیز که اتفاق افتیده و یا اتفاق خواهد افتید در کتابی نزد او نوشته است.

دلیل آن، قول الله متعال: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (5). (9).﴾

و کلیدهای خزائن غیب نزد اوست، کسی جز او بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را می‌داند و هیچ برگگی از درخت نمی‌افتد مگر آنکه او آگاه است و نه هیچ دانه‌ای در زیر تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی، جز آنکه در کتابی مبین مسطور است. [سورة الأنعام: 59].
سوم: اینکه همه چیز به خواست الله اتفاق می‌افتد، هیچ چیز از او و از خلقش جز به خواست او اتفاق نمی‌افتد.

دلیل آن، قول الله متعال: ﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (2). (8). وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (2). (9).﴾

تا هر که از شما بندگان بخواهد راه راست پیش گیرد. و شما نمی‌خواهید مگر آنچه الله آفریننده عالمیان بخواهد. [سورة التکویر: 28، 29].
چهارم: اعتقاد به اینکه همه موجودات مخلوقات الله هستند، و او نفس و صفات و حرکات آنها و همه چیز که در آنها است را آفریده است.

دلیل آن، قول الله متعال: ﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (9). (6).﴾

درحالی که الله سبحانه هم خود شما، و هم اعمال تان را آفریده، (و این بت‌ها یکی از اعمال شما هستند، پس او تعالی سزاوار است که به تنهایی عبادت شود، و دیگران با او شریک قرار داده نشوند) [سورة الصافات: 96].

س 16: تعریف قرآن چیست؟

ج - آن کلام الله متعال است، و مخلوق نیست.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ

اللَّهِ...﴾

و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (که از دین آگاه شود) به او پناه ده تا کلام الله را بشنود. [سورة التوبة: 6].

س 17: سنت چیست؟

ج- سنت عبارت از هر گفتار، فعل، تقریر و صفت خلقی و یا خلقی پیامبر ﷺ است.

س 18: بدعت چیست؟ آیا قبولش داریم؟

ج- تمام آنچه مردم وارد دین کرده اند، که در زمان پیامبر و یارانش نبوده باشد بدعت است.

❖ ما آن را نمی پذیریم و رد می کنیم.

به دلیل این قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) که فرمودند: "هر بدعت گمراهی است" ابو داود روایت نموده است.

مثال آن: زیادت در عبادات، مانند زیادت در وضو با شستن بار چهارم، و مانند جشن میلاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) که از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و یارانش روایت نشده است.

س 19: عقیده پشتیبانی و بی زاری (ولاء و براء) را ذکر کنید؟

ج- پشتیبانی (ولاء): محبت و حمایت مؤمنان است.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...﴾

و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند. [سورة التوبة: 71].

❖ بی زاری (براء): کینه و دشمنی با کافران است.

الله متعال فرموده اند: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ﴾.

ای مؤمنان- به یقین که برای شما الگویی نیکو در ابراهیم علیه السلام و مؤمنانی که همراهش بودند است، آن گاه که به قوم کافر خویش گفتند: ما از شما و بت‌هایی که به جای الله عبادت می‌کنید بیزار هستیم، به دینی که شما بر آن هستید کفر ورزیدیم، و دشمنی و نفرت میان ما و شما آشکار شد تا اینکه فقط به الله ایمان آورید، [سورة الممتحنة: 4].

س 20: آیا الله دینی غیر از اسلام را می‌پذیرد؟

ج - الله جز اسلام را نمی‌پذیرد.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (8). (5)﴾.

هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است. [سورة آل عمران ۸۵].

س 21: کفر در گفتار، عمل و عقیده می‌باشد، بر آن مثال بدهید؟

ج - مثال گفتار: دشنام دادن به الله متعال و یا به رسول الله (صلی الله علیه وسلم).

مثال عمل: اهانت به قرآن یا سجده به غیر الله متعال.

مثال عقیده: اعتقاد به اینکه غیر از الله متعال کسی شایسته پرستش وجود دارد و یا خالق با الله متعال وجود دارد.

س 22: نفاق چیست و انواع آن کدام ها اند؟

ج-1- بزرگ ترین نفاق: کتمان کفر و آشکار ساختن ایمان است.

از اسلام خارج می گرداند و آن کفر بزرگ است.

الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (1). (4). (5)﴾

البته منافقان در پست ترین جایگاه جهنم هستند و برای آنان هرگز یاری نخواهی یافت. [سورة النساء ۱۴۵].

2- نفاق کوچک:

مانند: دروغ، عهدشکنی و خیانت در امانت.

از اسلام خارج نمی گرداند، و از جمله گناهانی است که صاحبش مجازات می شود.

- رسول الله ﷺ فرموده است: «نشانه منافق سه است: هرگاه سخن بگوید دروغ می گوید، هرگاه وعده بگذارد آن را می شکند، هرگاه امانتی برایش داده شود در آن خیانت می کند». بخاری و مسلم روایت نمودند.

س 23: خاتم پیامبران و رسولان کیست؟

ج- او محمد ﷺ است.

الله متعال فرموده اند: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ...﴾

محمد (صلی الله علیه وسلم) پدر هیچ یک از مردان شما نیست لیکن او رسول الله و خاتم انبیاست.

[سورة الأحزاب ۴۰].

- رسول الله ﷺ فرموده اند: «من خاتم پیامبران هستم، پس از من پیامبری نیست». روایت ابوداود و ترمذی و دیگران.

س 24: معجزه چیست؟

ج - معجزه: هر آن چیزی خارق العاده است که الله متعال جهت دلالت راستگویی پیامبران خود به آنان داده است، مانند:

شکافتن ماه برای پیامبر ﷺ.

و شکافتن دریا برای موسی علیه السلام و غرق شدن فرعون و سپاهیاناش.

س 25: صحابه چه کسانی هستند؟ و آیا باید آنها را دوست بدارم؟

ج- صحابی: کسی است که با ایمان با پیامبر (صلی الله علیه وسلم) ملاقات کرده و با اسلام از دنیا رفته باشد.

ما آنها را دوست داریم و از آنها پیروی می کنیم و آنها بهترین و افضل ترین مردم بعد از پیامبران هستند.

و بهترین آنها: خلفای چهارگانه هستند:

ابو بکر (رضی الله عنه).

عمر (رضی الله عنه).

عثمان (رضی الله عنه).

علی (رضی الله عنه).

س 26: مادران مؤمنان چه کسانی هستند؟

ج - آنان همسران پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هستند.

الله متعال می فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾

پیامبر اولی و سزاوارتر به مؤمنان است از خود آنها، و زنان او مادران مؤمنان هستند [سورة الأحزاب: 6].

س 27: حق آل بیت (خانواده) پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر ما چیست؟

ج - ما آنها را دوست می داریم و از آنها حمایت می کنیم و از کسانی که با آنها دشمنی دارند متنفریم و در مورد آنها افراط و تفریط نمی کنیم، و آنها همسران او و فرزندان او و بنی هاشم و بنی المطلب از مؤمنان هستند.

س 28: مسئولیت ما در قبال حاکمان مسلمانان چیست؟

ج- مسولیت ما: احترام به آنان، شنیدن و اطاعت از آنان در غیر معصیت، عدم قیام بر ضد آنها، دعا و نصیحت آنان در خفا می باشد.

س 29: سرای مؤمنان چیست؟

ج- جنت است، الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾

به راستی الله کسانی را که به الله و رسولش ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، به بهشت هایی که نهرها از زیر کاخ ها و درختانش جاری است وارد می کند، [سورة محمد: 12].

س 30: سرای کافران چیست؟

ج- جهنم، الله متعال فرموده اند: ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (2). (4).﴾

از آتشی بترسید که هیزم آن مردم بدکار و سنگهای خارا است که برای کافران مهیا شده است. [سورة البقرة: 24].

س 31: ترس چیست؟ و امید چیست؟ و دلیل بر آنها چیست؟

ج- ترس: ترس از الله و عذاب اوست.

امید: امید به اجر و مغفرت و رحمت الله متعال است.

دلیل: فرموده الله متعال است: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (5). (7).﴾

و مانند آنها که مشرکان آنها را می خوانند اعمال صالحی را که آنها را به الله نزدیک می سازند می جویند، و مسابقه می دهند تا هر یک از آنها با طاعت به او نزدیکتر باشند، و امیدوارند که بر آنها رحم کند، و می ترسند از اینکه آنها را عذاب کند، - ای رسول- همانا عذاب پروردگارت سزاوار ترسیدن است. [سورة الإسراء: 57].

و الله متعال فرموده اند: ﴿نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (4). (9). وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (5).﴾

(ای رسول ما) بندگان مرا آگاه ساز که من بسیار آمرزنده و مهربانم. و نیز عذاب من بسیار سخت و دردناک است. [سورة الحجر: 49، 50]

س 32: برخی از نامها و صفات الله متعال را ذکر کنید؟

ج- الله، پروردگار، بخشنده، شنوا، بینا، دانا، روزی دهنده، زنده که حیاتی کامل و بدون مرگ و نقص دارد، بزرگ و سایر اسماء و صفات عالی دیگر او تعالی.

س 33: این نامها را توضیح دهید؟

ج- الله: یعنی معبودی که بر حق پرستش می شود، تنها و بدون شریک است.

پروردگار: یعنی او تعالی تنها آفریدگار و مالک و روزی دهنده و تدبیر کننده تنهای منزه؛ .

شنوا: کسی که شنوایی او همه چیز را احاطه می کند، و همه آوازه ها را با وجود اختلاف و انواع آن می شنود.

بینا: آنکه همه چیز را می بیند و همه چیز را چه کوچک باشد یا بزرگ؛ می بیند.

دانا: اوست که علمش بر همه چیز در گذشته و حال و آینده احاطه دارد.

بخشنده: که رحمتش هر موجود و زنده را احاطه کرده است، پس همه بندگان و مخلوقات تحت رحمت او هستند.

روزی دهنده: رزق همه موجودات اعم از انس و جن و همه جانوران بر عهده اوست.

زنده: زنده ای که نمی میرد در حالی که همه خلق می میرند.

بزرگ: آن که تمام کمالات برای اوست، و تمام عظمت در اسماء و صفات و افعال اوست.

س 34: وظیفه ما در قبال علمای مسلمان چیست؟

ج - ما آنها را دوست داریم و در مسائل و مشکلات شرعی به آنها مراجعه می کنیم، ما آنها را جز با خوبی یاد نمی کنیم و کسی که آنها را غیر از آن به بدی یاد می کنند در راه درست نیست.

الله متعال فرموده اند: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (1). (1)﴾

الله مقام اهل ایمان و عالمان شما را رفیع گرداند، و الله به هر آنچه کنید آگاه است. [سورة المجادلة 11].

س 35- اولیا (دوستان) الله متعال چه کسانی هستند؟

ج- آنها مؤمنان پرهیزکار هستند.

الله متعال فرموده اند: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (6). (2). الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (6). (3)﴾

آگاه باشید که دوستان الله هرگز هیچ ترسی و هیچ حسرت و اندوهی در دل آنها نیست. آنان اهل ایمان اند و از الله می ترسند. [سورة یونس: 62، 63].

س 36: آیا ایمان، قول و عمل است؟

ج - ایمان، قول و عمل و اعتقاد است.

س 37: آیا ایمان کم و زیاد می شود؟

ج - ایمان با اطاعت زیاد و با نافرمانی کاهش می یابد.

الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (2).﴾

همانا مؤمنان واقعی کسانی هستند که وقتی یاد شود دل‌هایشان بترسد؛ آن‌گاه دل‌ها و بدن‌هایشان به انجام طاعت جهت‌دهی می‌شود، و هرگاه آیات الله بر آنها خوانده شود در آن می‌اندیشند، آن‌گاه ایمانی بر ایمان‌شان افزوده می‌شود، و برای جلب مصالح و دفع مفاسدشان فقط به پروردگارشان اعتماد می‌کنند. [سورة الأنفال: 2].

س 38: احسان چیست؟

ج- الله را چنان عبادت کن که گویا او را می‌بینی و اگر او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.

س 39: چه زمانی اعمال مورد قبول الله متعال قرار می‌گیرد؟

ج- به دو شرط:

1- اگر صرفاً برای رضای الله متعال باشد.

2- اگر طبق سنت رسول الله ﷺ باشد.

س 40: توکل بر الله متعال چیست؟

ج - توکل بر الله متعال برای جلب منفعت و دفع ضرر البته با گرفتن اسباب.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...﴾

و هر که بر الله توکل کند الله او را کافیست. [سورة الطلاق: 3].

﴿حَسْبُهُ﴾: یعنی او را کافیست.

س 41: واجب امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج - معروف: امر به هر اطاعت و پیروی از الله متعال است و منکر: نهی از هر گونه نافرمانی از الله متعال می باشد.

الله متعال فرموده اند: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾

شما نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید، به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید، و ایمان به الله دارید. [سورة آل عمران ۱۱۰].

س 42: اهل سنت و جماعت چه کسانی هستند؟

ج - آنها کسانی هستند بر چیزی که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و یارانش در گفتار و عمل و اعتقاد بودند آنها هم می باشند.

اهل سنت نامیده شدند: زیرا از سنت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) پیروی نموده و بدعت را ترک نمودند.

و جماعت: چون بر حق متحد شدند و در آن تفرقه نکردند.

بخش فقه

س1: طهارت را تعریف کن؟

ج- طهارت: دور نمودن ناپاکی و زوال نجاست است.

پاکی نجاست: بر مسلمان لازم است هر نجاستی را که بر بدن، لباس، یا در جای و محل نمازش افتاده است برطرف کند.

طهارت بی وضویی: با وضو یا غسل با آب پاک یا تیمم برای کسی که آب در اختیار نداشته باشد و یا نتواند از آن استفاده کند، انجام می گیرد.

س 2: چگونه آنچه را که نجس شده است پاک می کنید؟

ج- با شستن با آب تا پاک شود.

- در مورد آنچه سگ لیسیده است؛ هفت مرتبه باید شسته شود، بار اول باید با خاک شسته شود.

س 3: فضیلت وضو چیست؟

ج- پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: هرگاه بنده مسلمان - یا مؤمن - وضو بگیرد، باید روی خود را بشوید؛ هر گناهی را که با نگاه کردن با چشم نموده است با آب از رویش بیرون می شود» - یا «با آخرین قطره آب» - «اگر دستش را بشوید، هر گناهی که دستانش انجام داده اند، بیرون می شود» - یا «با آخرین قطره آب» - «وقتی پاهایش را بشوید هر گناهی که پاهایش به سمت آن رفته باشد بیرون می شود- یا با آخرین قطره آب - تا این که از گناهان پاک بیرون آید. مسلم روایت نموده است.

س4: چگونه وضو می گیرید؟

ج- سه بار شستن دست ها (تا بندها).

سه بار شستن دهن (مضمضه)، کشیدن آب به بینی (استنشاق) و خارج ساختن آب از بینی به فشار (استنثار) را انجام می دهید.

شستن دهن: آب را در دهن گذاشته و آن را حرکت می دهی سپس بیرون می اندازی.

و کشیدن آب به بینی (استنشاق): کشیدن آب با هوا به داخل بینی با دست راست.

و خارج ساختن آب از بینی با فشار (استنثار): بیرون کردن آب از بینی پس از استنشاق با دست چپ.

سپس شستن رو سه بار.

سپس شستن دست ها تا آرنج سه بار.

سپس مسح سر به سمت جلو و عقب و مسح دو گوش.

سپس شستن پاها تا مچ پا سه بار.

این کاملترین وضو است و این از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در احادیث بخاری و مسلم به روایت عثمان و عبدالله بن زید و دیگران ثابت شده است. در بخاری و غیره نیز از او ثابت شده است که: «رسول الله (صلی الله علیه وسلم) یک بار وضو گرفته است و دو بار وضو گرفته است» یعنی: هر یک از اعضای وضو را یک یک و یا دو دو بار شسته است.

س 5: فرض های وضو کدام ها اند و آن را بشمارید؟

ج - آنها مواردی هستند که وضوی مسلمان با ترک یکی از آن درست نمی شود.

1- شستن رو از آن جمله مضمضه و استنشاق.

2- شستن دست ها تا آرنج ها.

3- مسح سر از آن جمله گوش ها.

4- شستن پاها تا مچ پاها.

5- ترتیب بین اعضا، با شستن رو، سپس دست ها، سپس مسح سر و سپس شستن پاها.

6- موالات: وضو گرفتن بشکل پیهم، بدون فاصله زمانی به شکلی که اعضای بدن از آب خشک شوند.

- مانند این که نصف وضو را بگیرد، و نصف دیگر را در وقت دیگری تمام کند، در این صورت وضوی او درست نمی شود.

س6: سنت های وضو کدام ها اند و آن را بشمارید؟

ج - سنت های وضو: که اگر آن را انجام داد؛ اورا ثواب بیشتری است، ولی اگر آن را ترک کرد؛ گناهی بر او نیست و وضوی او درست می باشد.

1- بسم الله گفتن.

2- مسواک زدن.

3- شستن دست ها تا بندها.

4- خلال انگشتان.

5- دو و یا سه بار شستن اعضای وضو.

6- از راست شروع کردن.

7- دعای بعد از وضو: «أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله». گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست و او شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست.

8- بعد از آن خواندن دو رکعت نماز.

س7: شکننده های وضو را نام ببرید؟

ج- آنچه از سبیلین فرج و مقعد خارج می شود، از قبیل ادرار، مدفوع یا باد.

به خواب رفتن، یا دیوانه شدن یا بی هوشی.

خوردن گوشت اشتر.

لمس کردن فرج یا مقعد با دست بدون مانع.

س8: تیمم چیست؟

ج- تیمم: استفاده از خاک و غیره از سایر نقاط زمین، زمانی که آب موجود نباشد یا قابل استفاده نباشد.

س 9: چگونه تیمم می کنید؟

ج- یک مرتبه ضربه زدن خاک با کف دست ها، و یک مرتبه مسح صورت و پشت دست ها.

س 10: شکننده های تیمم کدامند؟

ج - هر آن چه وضو را می شکناند.

اگر آب پیدا شود.

س 11: ماسی (خفین) و جوراب چیست؟ آیا بالای آنها مسح می شود؟

ج - ماسی (خفین): چرمی که در پا پوشیده می شود.

جوراب: آنچه در پا به غیر از پوست پوشیده می شود.

مسح بر آنها عوض شستن پاها مشروع می باشد.

س 12- حکمت مسح روی ماسی (خفین) را ذکر کنید؟

ج - تسهیل و آسانی بر بندگان، به ویژه در زمان سرما و زمستان و مسافرت، که کشیدن آنچه در پاها است مشکل می باشد.

س 13- شرایط صحت مسح روی ماسی (خفین) چیست؟

ج-1- ماسی (خفین) را در حالت طهارت یعنی بعد از وضو بپوشد.

2- ماسی (خفین) باید پاک باشد، چون مسح روی چیز نجس جایز نیست.

3- ماسی (خفین) باید محل فرض شستشو در وضو را بپوشاند.

4- مسح در مدت معین برای مقیم غیر مسافر یک شبانه روز و برای مسافر سه شبانه روز می باشد.

س 14- صفت مسح روی ماسی (خفین) چه گونه است؟

ج - و اما وصف مسح این است که: انگشتان دست خود را خیس آب کرده بر انگشتان پا بگذارد، سپس تا ساق پایش بکشاند، با دست راست پای راست و با دست چپ پای چپ را مسح کند، و هنگام مسح انگشتانش را باز نموده و تکرار نماید.

س 15- چه چیز مسح بالای ماسی (خفین) را باطل می کند؟

ج-1- گذشتن مدت مسح، پس مسح بر خفین پس از انقضای مدت مسح شرعا جایز نیست، یک شبانه روز برای مقیم و سه شبانه روز برای مسافر.

2 - کشیدن ماسی (خفین)، هرگاه انسان پس از مسح، خفین یا یکی از آنها را بیرون آورد، مسح باطل می شود.

س 16: معنای نماز؟

ج - نماز: عبادت الله متعال با اقوال و افعال خاص است که با تکبیر آغاز و با تسلیم به پایان رسید.

س 17: حکم نماز؟

ج- نماز بر هر مسلمان فرض است.

الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (1). (3)﴾

نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است. [سورة النساء: 103].

س 18: ترک نماز چه حکمی دارد؟

ج- ترک نماز کفر است، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده اند: «پیمان بین ما و آنان نماز است، پس هر که آن را ترک کند، کفر ورزیده است». روایت احمد و ترمذی و دیگران.

س 19- یک مسلمان در شبانه روز چند وقت نماز را باید ادا نماید؟ و هر نماز چند رکعت است؟

ج- پنج وقت نماز در یک شبانه روز فرض است، نماز صبح: دو رکعت، نماز ظهر: چهار رکعت، نماز عصر: چهار رکعت، نماز شام: سه رکعت، و نماز خفتن: چهار رکعت.

س 20: شرط های نماز چند است؟

ج-1- اسلام؛ از کافر قبول نمی شود.

2- عقل، پس نماز شخص دیوانه قبول نمی شود.

3. تمیز و رشد؛ پس نماز کودک غیر رشید قبول نمی شود.

4- نیت.

5- داخل شدن وقت.

6- طهارت برای رفع ناپاکی.

7- پاکی از نجاست.

8- پوشانیدن عورت.

9 - رو به قبله ایستاده شدن.

س 21: ارکان نماز را بشمارید؟

ج- چهارده رکن است به شرح زیر:

یکی از آنها: ایستاد شدن در نماز فرض برای کسی که توان آن را دارد.

تکبیر تحریمه: «الله اکبر».

خواندن سوره فاتحه.

رکوع، پشت باید صاف دراز کشیده شود، و سرش را به سمت خودش بچرخاند.

از رکوع بلند شدن.

راست ایستاد شدن.

سجده، تمکین و چسپاندن پیشانی و بینی و دستها و زانوها و نوک انگشتان پاها به محل سجده.

بلند شدن از سجده

نشستن بین دو سجده.

و سنت این است که: روی پای چپ بنشیند، و پای راست را ایستاده و به سمت قبله نگه دارد.

حفظ آرامش، و آن سکون در همه ارکان فعلی می باشد.

تشهد اخیر.

برای آن نشستن.

دو تسلیم، که باید دو بار: « السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ » گفته شود.

ترتیب رکن ها - چنانکه اشاره کردیم - مثلاً اگر قصداً قبل از سجده رکوع نماید؛ نمازش باطل می شود، اما اگر سهواً رخ دهد؛ باید برگردد و رکوع و سجده را انجام دهد.

س 22: واجبات نماز را ذکر کنید؟

ج - واجبات نماز هشت است، و قرار ذیل می باشد:

- 1- تکبیرها، غیر تکبیر تحریمه.
- 2- گفتن: «سمع الله لمن حمده» برای امام و برای منفرد.
- 3- گفتن: «ربنا ولك الحمد».
- 4- گفتن: «سبحان ربی العظیم» یک مرتبه در حال رکوع.
- 5- گفتن: «سبحان ربی الأعلى» یک مرتبه در سجده.
- 6- گفتن: «رب اغفر لی» بین دو سجده.
- 7- تشهد اول.
- 8- نشستن برای تشهد اول.

س 23: سنت های نماز چیست؟

ج - یازده سنت است، به شرح زیر:

- 1- پس از تکبیر تحریمه، باید: « سبحانك اللهم وبحمدك، وتبارك اسمك، وتعالى جدك، ولا إله غيرك » گفته شود، بعد از آن دعای استفتاح بگوید.
- 2- گفتن اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.
- 3- گفتن بسم الله الرحمن الرحيم.
- 4- گفتن: آمین.

5- خواندن سوره بعد از فاتحه .

6- بلند خواندن برای امام.

7- بعد از ربنا ولک الحمد، گفتن: "ملء السموات، وملء الأرض، وملء ما شئت من

شیء بعد".

8- آنچه در تسبیح رکوع بیش از یک بار باشد. یعنی: تسبیح دوم و سوم و بیشتر از آن.

9- آنچه در تسبیح سجده بیش از یک بار باشد.

10- آنچه در بین دو سجده بیش از یک بار گفته شود: «رب اغفر لی».

11- درود در تشهد اخیر برای خانواده رسول الله علیهم السلام، و برکت بروی و اهل وی، و دعای بعد از آن.

چهارم: سنت های فعلی و آن را هیئات می گویند:

1- بالا بردن هر دو دستان با تکبیره احرام.

2- و هنگام رکوع.

3- و هنگام بلند شدن از آن.

4- و بعدا آنرا بسوی زمین رها کردن.

5- قرار دادن دست راست روی دست چپ.

6- نگاه کردن به محل سجده.

7- دور ماندن پاها از یکدیگر در وقت ایستادن.

8- مشت کردن هر دو زانوها توسط دستان هنگام رکوع کردن، و هموار ساختن پشت در آن، و برابر نگاه داشتن سر با پشت.

9- قرار دادن اعضای سجده به زمین، و رساندن آنها به محل سجده.

10- بازوها را از پهلوها، و شکم را از ران ها، و ران ها را از پاها جدا ساختن، و جدا نمودن وی بین زانوهایش، و ایستاد گرفتن کف پاهایش، و گذاشتن کف انگشتان گشاده شده روی زمین، و ماندن هر دو دستان برابر با هر دو شانه ها در حالی که انگشتان اش جم کرده باشد.

11- به شکل افتراش نشستن بین دو سجده و تشهد اول، و به شکل تورک در تشهد دوم.

12- گذاشتن دستها روی ران ها بشکل کشیده شده وانگشتان با هم جمع شده بین دو سجده، و همچنان در تشهد نیز همینطور انجام گیرد، جز اینکه انگشت کوچک (خنصر) و انگشت حلقه (بنصر) دست راست را جم کرده باشد، و انگشت شست (ابهام) و انگشت وسطی (وسطی) را حلقه نموده و توسط انگشت اشاره (سبابه) هنگام ذکر الله اشاره می نماید.

13- نگاه کردن به راست و چپ هنگام سلام.

س 24: شکننده های نماز را بشمارید؟

ج- (1) ترک رکن یا شرط از شروط نماز.

(2) صحبت عمدی.

(3) خوردن یا آشامیدن.

(4) حرکت های زیاد و پی هم.

(5) ترک کردن واجب از واجبات نماز به شکل عمدی.

س 25: یک مسلمان چگونه نماز می خواند؟

ج- چگونگی نماز خواندن:

1- با تمام بدن رو به قبله باشد، بدون میلان و نگاه کردن.

2 - سپس نمازی را که می خواهد ادا نماید در دل نیت نموده بدون اینکه به زبان بیاورد.

3 - سپس تکبیر تحریمه را بجا میاورد و می گوید: (الله اکبر) و هنگام گفتن تکبیر، دستان خود را به برابری شانه هایش بلند می کند.

4- سپس کف دست راست را بر پشت کف دست چپ بالای سینه می گذارد.

5- سپس آغاز می کند و می گوید: «الهی مرا از گناهانم دور کن چنانکه مشرق را از مغرب دور کردی، الهی مرا از گناهانم پاک کن چنانکه جامه سفیدی از پلیدی پاک می شود، الهی مرا از گناهانم با آب و برف و ژاله بشوی».

و یا می گوید: «سبحانک اللهم وبحمدک، وتبارک اسمک، وتعالی جددک، ولا إله غیرک».

«الهی تو منزهی و ستایش تراست، و نامت مبارک، و جایگاهت بلند است، و معبودی (برحق) جز تو نیست».

6 - سپس پناه می برد و می گوید: **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**.

«به الله پناه می برم از شیطان رانده شده».

7- سپس بسمله را خوانده و فاتحه را تلاوت می کند و می گوید: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

(1). بنام الله بخشاینده و مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2). ستایش الله را که پروردگار جهانیان است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3). الله که بخشنده و مهربان است.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4). مالک (و پادشاه) روز جزاست.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5). (پروردگارا) تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری می جوئیم.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6). تو ما را به راه راست هدایت فرما.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7). ﴿راه آنانی که به آنها انعام فرمودی، نه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی (قوم یهود) و نه گمراهان (چون اغلب نصاری).﴾

[سورة الفاتحة: 1-7].

سپس می گوید: **(آمین)**. یعنی: الهی اجابت کن.

8 - سپس تا حد توان از قرآن تلاوت می کند و تلاوت نماز صبح را طولانی می کند.

9 - سپس رکوع می کند، یعنی: برای تسبیح الله پشتش را خم می کند و هنگام رکوع تکبیر می گوید و دست ها را به اندازه شانه هایش بلند می کند. و سنت این است که: پشتش را هموار نموده، سرش را به طرف خود بگرداند و دستها را روی زانو بگذارد و انگشتان را از هم جدا کند.

10 - در رکوع سه مرتبه می گوید: **« سبحان ربي العظيم »** و اگر اضافه کند: **« سبحانك اللهم وبحمدك، اللهم اغفر لي »** بهتر است.

11 - سپس سر خود را از رکوع بلند می کند و می گوید: **« سمع الله لمن حمده »** سپس دستان خود را به اندازه شانه هایش بلند می کند. مقتدی نمی گوید: **« سمع الله لمن حمده »**، بلکه در عوض آن می گوید: **« ربنا ولك الحمد »**.

12 - سپس پس از بلند شدن از رکوع می گوید: **« ربنا ولك الحمد، ملء السموات والأرض، وملء ما شئت من شيء بعد »**.

«پروردگارا، حمد و ستایش از آن تو است، به اندازه پُری آسمانها و زمین و پُری هر چه را تو بخواهی».

13 - سپس سجده اول را بجا می آورد، هنگام رفتن به سجده می گوید: «**الله اکبر**» و بر هفت عضو سجده می کند: پیشانی، بینی، کف دو دست، زانوها، اطراف پاها، و بازوها را از پهلوها دور نگه می دارد، و دستها را روی زمین دراز نکشد، و نوک انگشتانش رو به قبله باشد.

14 - در سجده سه مرتبه می گوید: «**سبحان ربي الأعلى**». و اگر اضافه کرد: **سبحانك اللهم ربنا وبحمدك، اللهم اغفر لي**، بهتر است.

15 - سپس سر خود را از سجده بلند نموده و می گوید: **الله اکبر**.

16 - سپس بین دو سجده روی پای چپ می نشیند، پای راستش را ایستاد می کند و دست راست را روی گوشهٔ ران راستش که کنار زانویست است می گذارد، و انگشتان کوچک و حلقه را با هم می گیرد و هنگام دعا انگشت اشاره را بالا می آورد و حرکت می دهد، و نوک انگشت شست را با انتهای میانی مانند یک حلقه جفت می کند و دست چپ خود را با انگشتان کشیده روی نوک ران چپ، زیر زانو قرار می دهد.

17 - و بین دو سجده در نشست می گوید: «**رب اغفر لي، وارحمني، واهدني، وارزقني، واجبرني، وعافني**».

«پروردگارا مرا ببخش، و هدایتم کن، به من روزی بده، و جبرانم کن، و مرا عافیت ببخش»

18 - سپس سجدهٔ دوم را مانند سجدهٔ اول در گفتار و عمل انجام می دهد، و هنگام سجده تکبیر می گوید.

19 - سپس از سجده دوم برمی خیزد و می گوید: «**الله اکبر**» و رکعت دوم را در گفتار و عمل مانند رکعت اول می خواند، جز اینکه در آن دعای افتتاح را نمی خواند.

20 - بعد از پایان رکعت دوم می نشیند و می گوید: «**الله اکبر**» و همان طور که بین دو سجده می نشیند.

21 - و تشهد را در این قعه می خواند و می گوید: «التحيات لله والصلوات والطيبات، السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، اللهم صلِّ على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد، وبارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد.»

تمام اوصاف، دعاها و الفاظ نیک از برای الله تعالی است، سلام بر شما ای پیامبر، همچنان رحمت و برکات الله بر شما، سلامتی تو بر ما و بر بنده های صالح باشد، شهادت می دهم که بدون از الله معبودی برحق نیست، و شهادت می دهم که محمد بنده و پیامبر او هست، یا الله! نزول رحمت فرما بر محمد و خاندان محمد به مثل رحمت که بر ابراهیم و بر خاندان او فرموده ای، بی شک تو قابل ستایش و بزرگ هستی، یا الله! نزول برکت فرما بر محمد و خاندان محمد به مثل برکت که بر ابراهیم و بر خاندان او فرموده ای، بی شک تو قابل ستایش و بزرگ هستی. **أعوذ بالله من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات، ومن فتنة المسيح الدجال.**

به الله پناه می برم از عذاب جهنم، از عذاب قبر، از آزمایش مرگ و زندگی، و از آزمایش مسیح دجال». سپس پروردگارش را به آنچه دوست دارد از خیر دنیا و آخرت فرا می خواند.

22 - سپس سمت راست سلام می کند و می گوید: «السلام عليكم ورحمة الله» و در سمت چپ همچنان.

23 - اگر نماز سه یا چهار رکعتی باشد؛ در پایان تشهد اول توقف می نماید و آن: **أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.**

گواهی می دهد که معبودی جز الله نیست و گواهی می دهد که محمد بنده و فرستاده اوست.

24 - سپس برمی خیزد و می گوید: «الله اکبر» و دست هایش را به اندازه شانه هایش بلند می کند.

25 - سپس باقیمانده نماز را مانند رکعت دوم می خواند مگر اینکه به خواندن فاتحه اکتفا می کند.

26 - سپس متورک می نشیند؛ و پای راستش را صاف می کند و پای چپ را از زیر پای راست بیرون می آورد و مقعدش را روی زمین می گذارد، و دست هایش را روی ران خود می گذارد، همان گونه که در تشهد اول گذاشته بود.

27 - و در این جلسه تمام تشهد را می خواند.

28 - سپس سمت راست سلام می کند و می گوید: «السلام علیکم و رحمة الله» و نیز در سمت چپ سلام می گوید.

س 26: بعد از سلام دادن نماز کدام اذکار را می خوانید؟

ج- « گفتن: اَسْتَغْفِرُ الله سه مرتبه

«از الله آمرزش می خواهم».

- «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».

بارالها! تو سلامتی دهنده ای و سلامتی از طریق تو خواهد رسید با برکت هستی ای ذات بزرگوار و با عظمت)

- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيٍّ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ».

«هیچ معبودی جز الله نیست و شریکی ندارد، فرمانروایی و ستایش از آن اوست، و او بر هر چیزی تواناست، الهی چیزی را که عطا نمودی باز دارنده ندارد، و از چیزی که منع کردی عطا کننده ندارد، و صاحب مال و جاه دنیوی صاحبش از تو نجات داده نمی تواند جز عمل صالح او».

- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

«هیچ معبودی جز الله نیست، تنها و بی شریک، فرمانروایی از آن اوست و حمد و ستایش از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست، هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر با الله، معبودی جز الله نیست و ما جز او را نمی پرستیم، نعمت، فضل و ستایش نیک از آن اوست، هیچ معبودی جز الله نیست، مخلص دین او هستیم و لو اگر کافران از آن متنفر باشند.»

- «سُبْحَانَ اللَّهِ» (پاکست الله را) سی و سه مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» (ثنا و ستایش است الله را) سی و سه مرتبه.

«اللَّهُ أَكْبَرُ» (الله بزرگتر است) سی و سه مرتبه.

سپس برای تکمیل شدن صد می گوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». «هیچ معبودی جز الله نیست، تنها و بی شریک، فرمانروایی از آن اوست و حمد و ستایش از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست.»

سوره اخلاص (قل هو الله أحد). و معوذات (قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب

الناس). را می خواند. سه مرتبه بعد از نماز صبح و شام و یک بار بعد از نمازهای دیگر.

- و یک بار آیت الکرسی را می خواند

س 27: سنت های همیشگی چیست؟ و فضیلت آنها چیست؟

ج - دو رکعت قبل از نماز صبح.

چهار رکعت قبل از ظهر.

دو رکعت بعد از ظهر.

دو رکعت بعد از مغرب.

دو رکعت بعد از خفتن.

فضیلت آن: پیامبر فرمود: «هر که در شبانه روز دوازده رکعت نماز نفل بخواند، الله برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد». مسلم و احمد و دیگران روایت نمودند.

س 28: بهترین روزهای هفته کدامند؟

ج- روز جمعه ، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «یکی از بهترین روزهای شما روز جمعه است که آدم در آن آفریده شد و در آن روز از دنیا رفت و در آن روز در صور دمیده می شود و در آن صاعقه رخ می دهد، پس در این روز برایم بیشتر درود بفرستید و درود شما برای من عرضه می گردد.»

گفت: گفتند ای رسول الله چگونه درود ما بر تو عرضه می شود در حالی که خاک شده یی؟ - می گویند خاک شده ای - گفت: «الله (عزوجل) اجساد پیامبران را بر زمین حرام گردانیده است». روایت ابوداود و دیگران.

س 29: نماز جمعه چه حکمی دارد؟

ج- بر هر مسلمان بالغ، عاقل، مقیم، فرض عین می باشد.

الله متعال فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا

إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (9).﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر الله بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است.

[سورة المنافقون: ۹].

س 30: نماز جمعه چند رکعت است؟

ج - تعداد رکعت های نماز جمعه دو رکعت است که امام در آن با صدای بلند می خواند و دو خطبه معروف قبل از آن می باشد.

س 31: آیا ترک نماز جمعه جایز است؟

ج - ترک نماز جمعه جز عذر شرعی جایز نیست، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «کسی که سه جمعه از لحاظ سهل انگاری ترک نماید، الله متعال بر قلبش مهر می نهد.» روایت ابوداود و دیگران.

س 32: سنت های روز جمعه را بیان کنید؟

ج-1- غسل کردن.

2- استفاده از خوشبویی.

3- پوشیدن بهترین لباس ها.

4- زود رفتن به مسجد.

5- درود بسیار بر پیامبر (صلی الله علیه وسلم).

6- تلاوت سوره کهف.

7- پیاده رفتن به مسجد.

8- دریافت ساعت اجابت دعا.

س 33: فضیلت نماز جماعت را ذکر کنید؟

ج- از عبدالله بن عمر (رضی الله عنهم) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «نماز جماعت بیست و هفت مرتبه بهتر از نماز تنهایی است». مسلم روایت نموده است.

س 34: خشوع در نماز چیست؟

ج - حضور دل و سکون اعضای بدن در نماز می باشد.

الله متعال فرموده اند: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (1)﴾. به راستی که مؤمنان رستگار شدند (۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (2). ﴿﴾ همانان که در نمازشان فروتن اند (۲) [سورة المؤمنون: 1، 2].

س 35: زکات را تعریف کنید؟

حق واجب است در مال ویژه، برای گروه ویژه در وقت ویژه.

یکی از ارکان اسلام و صدقه فرض است که از ثروتمندان گرفته و به فقیران داده می شود.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾ و زکات را بدهید [سورة البقرة: 43].

س 36: صدقه مستحب چیست؟

ج - صدقه، زکات نیست، مانند: صدقه دادن هر چیزی در راه خیر در هر زمان.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ و در راه الله انفاق کنید. [سورة البقرة: 195].

س 37: روزه را تعریف کن؟

ج- عبادت الله است با اجتناب از چیزهایی که روزه را می شکنند از طلوع فجر تا غروب آفتاب با نیت می باشد، و بر دو قسم است:

روزه فرض: مانند روزه ماه رمضان که از ارکان اسلام است.

الله متعال فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (1). (8). (3). ﴿﴾

ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، روزه از جانب پروردگارتان بر شما فرض شده است همان گونه که بر امت‌های قبل از شما فرض شده بود؛ تا - با انجام اعمال صالح که روزه از بزرگترین آنهاست، با قرار دادن سپری میان خود و عذاب الله، - تقوای الهی را پیشه کنید. [سورة البقرة: 183].

و روزه غیر فرض: مانند روزه روزهای دوشنبه و پنجشنبه از هر هفته، و روزه سه روز از هر ماه که بهترین آنها ایام البیض روزهای (13، 14، 15) هر ماه قمری است.

س 38: فضیلت روزه ماه رمضان را ذکر کنید؟

ج- از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «کسی که رمضان را از روی ایمان و به امید ثواب روزه بگیرد، گناهان قبلی او بخشیده می شود.» متفق علیه.

س 39: فضیلت روزه های نفلی غیر از ماه رمضان را بیان کنید؟

ج - از ابوسعید خدری (رضی الله عنه) روایت است گفت: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «هیچ بنده ای نیست که یک روز را در راه الله روزه بگیرد، جز این که الله بوسیله آن روز تا هفتاد خزان صورت او را از آتش جهنم دور نگه می دارد. متفق علیه.

هفتاد خزان یعنی هفتاد سال.

س 40: برخی از شکننده های روزه را ذکر کنید؟

ج-1- خوردن و آشامیدن قصدا.

2- استفراغ عمدی.

3- ارتداد از اسلام.

س 41: سنت های روزه چیست؟

ج-1- عجله کردن در افطار.

2- سحری و تأخیر آن.

3- زیادت در عبادات و کارهای نیک.

4- گفتن روزه دار: من روزه هستم، وقتی به او دشنام داده شود.

5- دعا در وقت افطار.

6- افطار با خرما یا تازه یا خرما، اگر پیدا نشد، با آب صورت گیرد.

س 42: حج چیست؟

ج - حج: عبارت است از عبادت الله متعال، به قصد رفتن به بیت الله الحرام برای اعمال خاص در وقت معین.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (9). (7).﴾

و برای الله حج آن خانه بر عهدهٔ مردم است [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد یقیناً الله از جهانیان بی نیاز است. [سورة آل عمران: 97].

س 43: ارکان حج را بشمارید؟

ج-1- احرام.

2- ایستادن در عرفات.

3- طواف افاضه.

4- سعی بین صفا و مروه.

س 44: فضیلت حج چیست؟

ج - از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که گفت: از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شنیدم که می فرمود: «کسی که برای الله حج را ادا نماید، و مرتکب ناسزاگویی و فسق نگردد، در حالی بر میگردد گویا تازه مادرش او را به دنیا آورده باشد». بخاری و دیگران آن را روایت کرده اند.

- مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورد: یعنی بدون گناه.

س 45: عمره چیست؟

ج - عمره: عبارت از عبادت الله متعال به قصد رفتن به بیت الله الحرام برای اعمال خاص در هر زمان است.

س 46: ارکان عمره را بشمارید؟

ج-1- احرام.

2- طواف خانهٔ کعبه.

3- سعی بین صفا و مروه.

س 47: جهاد در راه الله چیست؟

ج - تلاش و کوشش برای گسترش اسلام و دفاع از آن و اهل آن، و یا مبارزه با دشمن اسلام و اهل آن است.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (4). (1)﴾.

و با مال و جانتان در راه الله جهاد کنید اگر بدانید این برای شما بهتر است (۴۱) [سورة التوبة: 41].

بخش سیرت النبی

س 1: نسب پیامبر ما حضرت محمد ﷺ چیست؟

ج - او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم است. هاشم از قریش، قریش از عرب است، و عرب از اولاد اسماعیل و اسماعیل فرزند ابراهیم علیه وعلی نبینا افضل الصلاة والسلام است.

س 2: نام مادر پیامبرمان (صلی الله علیه وسلم) چیست؟

ج- آمنه بنت وهب.

س 3: پدرش چه زمانی فوت کرد؟

ج- پدرش در مدینه در حالی وفات کرد که وی (صلی الله علیه وسلم) در شکم مادرش بود، و به دنیا نیامده بود.

س 4: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) چه زمانی به دنیا آمد؟

ج- در سال فیل روز دوشنبه ماه ربیع الاول.

س 5: در کدام سرزمین متولد شد؟

ج- در مکه.

س 6: شیردهندگان و پرستاران وی چه کسانی بودند، غیر از مادرش؟

ج- کنیزه پدرش، ام ایمن.

- کنیزه کاکایش ابولهب ثویبه.

- حلیمه سعدیه.

س 7: مادرش چه زمانی فوت کرد؟

ج - مادرش در شش سالگی فوت کرد و جدش عبدالمطلب سرپرستی او را بر عهده گرفت.

س 8: پس از مرگ پدر کلانش عبدالمطلب؛ چه کسی او را کفالت کرد؟

ج- پدر بزرگش عبدالمطلب هنگامی از دنیا رفت که او هشت سال داشت و کاکایش ابوطالب کفالت او را بر عهده گرفت.

س 9: چه زمانی با کاکایش به شام سفر کرد؟

ج - در دوازده سالگی با کاکایش به شام سفر کرد.

س 10: سفر دوم او چه زمانی بود؟

ج - سفر دومش تجارت با مال خدیجه (رضی الله عنها) بود و چون برگشت در بیست و پنج سالگی با او (رضی الله عنها) ازدواج کرد.

س 11: قریش چه زمانی کعبه را بازسازی کردند؟

ج - قریش خانه کعبه را بازسازی کردند که او سی پنج ساله بود.

زمانی که آنان در مورد اینکه چه کسی حجرالاسود را در جایش بگذارد باهم اختلاف نمودند، وی را برای قضاوت برگزیدند، بنابراین وی آن را در پارچه گذاشت، و به بزرگ هر قوم امر کرد که یک گوشه پارچه را بردارند و چهار طایفه بودند، هرگاه آن را تا جایش بلند کردند، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) با دست خود آن را گرفته و در جایش گذاشت.

س 12: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در زمان فرستاده شدنش چند سال داشت؟ و برای کی فرستاده شد؟

ج - چهل سال داشت، و برای همه مردم بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاده شد.

س 13: اولین چیزی که وحی با آن آغاز شد چه بود؟

ج - رویایی صادق بود، وقتی خواب می دید مانند طلوع فجر به حقیقت می پیوست.

س 14: حال او قبل از بعثت چگونه بود؟ و اولین بار چه زمانی بروی وحی نازل شد؟

ج - در غار حرا الله را عبادت می کرد و برای آن خود را آماده می نمود.

در حالی که در غار مشغول عبادت بود وحی بر او نازل شد.

س 15: اولین چیزی که از قرآن بر او نازل شد چه بود؟

الله متعال فرموده اند: ﴿أَقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (1)﴾. بخوان به نام پروردگارت که آفرید

(1). خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (2). انسان را از علق آفرید (2). أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

(3). بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است (۳). **الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (4)**. همان کسی که به وسیله قلم آموخت (۴). **عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمَ (5)**. آنچه را که انسان نمی دانست به وی آموخت (۵) [سورة العلق: 1 - 5].

س 16: اولین کسی که به رسالت او ایمان آورد چه کسی بود؟

ج - از مردان: ابوبکر صدیق، از زنان: خدیجه بنت خویلد، از پسران: علی بن ابی طالب، و از وفاداران: زید بن حارثه، و از غلامان: بلال الحبشی (رضی الله عنهم)، و غیرهم.

س 17: دعوت به اسلام چگونه بود؟

ج - حدود سه سال دعوت مخفیانه بود، سپس به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) دستور داده شد که دعوت را آشکارا انجام دهند.

س 18: حال پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و کسانی که به او ایمان آوردند پس از دعوت آشکار چگونه بود؟

ج - مشرکان در ضرر و زیان رسانیدن به او و به مسلمانان مبالغه کردند، تا اینکه برای مؤمنان اجازه هجرت بسوی نجاشی در حبشه صادر نمود.

مشرکان جهت آزار و کشتن پیامبر (صلی الله علیه وسلم) باهم موافقت کردند، پس الله وی را حفظ کرد و وی را توسط کاکایش ابوطالب محافظت کرد تا وی را از شر آنان حفظ کند.

س 19: چه کسی در سال دهم بعثت او (صلی الله علیه وسلم) از دنیا رفت؟

ج- کاکایش ابوطالب و همسرش خدیجه (رضی الله عنها) از دنیا رفتند.

س 20: سفر اسراء و معراج چه زمانی بود؟

ج - پنجاه سال داشت که اتفاق افتید، و نمازهای پنجگانه نیز بر او فرض گردید.

سفر شب: از مسجد حرام تا مسجد اقصی.

معراج: از مسجد اقصی تا آسمان تا سدره المنتهی بود.

س 21: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) چگونه مردم خارج از مکه را دعوت می نمود؟
ج - اهل طائف را دعوت می کرد، در مواسم و گردهمایی مردم حاضر می شد تا اینکه اهل مدینه از انصار آمدند، و به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) ایمان آوردند و بر حمایت او همایش بیعت کردند.

س 22: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) چه مدت را برای دعوت در مکه سپری نموده؟
ج - سیزده سال باقی ماند.

س 23: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) به کجا هجرت کردند؟
ج - از مکه به مدینه.

س 24: چه مدت در مدینه ماندند؟
ج - ده سال.

س 25: در مدینه بر وی کدام احکام اسلام فرض گردید؟
ج - بر او زکات، روزه، حج، جهاد، اذان و سایر احکام اسلام فرض گردید.

س 26: مهمترین جنگ های آن حضرت ﷺ کدام بود؟
ج - غزوه بزرگ بدر.

غزوه احد.

غزوه احزاب.

غزوه فتح مکه.

س 27: آخرین چیزی که از قرآن نازل شده چه بود؟

الله متعال فرموده اند: ﴿وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا

كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (2). (8). (1).﴾

و بترسید از روزی که در آن، به سوی الله بازگردانده می شوید، سپس به هر کسی (پاداش) آنچه به دست آورده، تمام داده شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند. (۲۸۱) [سورة البقرة: 281].

س 28: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) چه زمانی از دنیا رحلت نمود؟ و چند سال داشت؟
ج- در ماه ربیع الاول سال یازدهم هجری در شصت و سه سالگی از دنیا رحلت نمود.

س 29: همسران پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را نام ببرید؟

ج-1- خدیجه بنت خویلد (رضی الله عنها).

2- سوده بنت زمعه (رضی الله عنها).

3- عایشه بنت ابی بکر صدیق (رضی الله عنها).

4- حفصه بنت عمر (رضی الله عنها).

5- زینب بنت خزیمه (رضی الله عنها).

6- ام سلمه هند بنت ابی امیه (رضی الله عنها).

7- ام حبیبیه رمله بنت ابی سفیان (رضی الله عنها).

8- جویریة بنت الحارث (رضی الله عنها).

9- میمونہ بنت الحارث (رضی الله عنها).

10- صفیہ بنت حیّی (رضی الله عنها).

11- زینب دختر جحش (رضی الله عنها).

س 30: فرزندان او (صلی الله علیه وسلم) چه کسانی بودند؟

ج- سه تن از طبقه ذکور می باشد:

قاسم، که به او ملقب بود.

و عبدالله

و ابراهیم

از طبقه اناث:

فاطمه.

رقیه.

ام کلثوم.

زینب.

همه فرزندان از خدیجه (رضی الله عنها) بودند به جز ابراهیم و همه قبل از وی وفات نمودند، بجز فاطمه شش ماه بعد از وی وفات نمود.

س 31: برخی از خصوصیات پیدایشی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را ذکر کنید؟

ج - او از مردان قد میانه بود، نه کوتاه قد و نه بلند قد، بلکه بین آن دو قرار داشت، سفید رنگ با میلان به سرخی بود (صلی الله علیه وسلم)، و ریش انبوه و چشمان گشاد داشت، دهان بزرگ و موهایش بسیار سیاه بود، شانه های بزرگ و بوی خوش داشت، و غیره ویژگی های پیدایشی زیبای او (صلی الله علیه وسلم).

س 31: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) امت خود را با چه چیزی ترک نمود؟

ج - امتش را به جاده واضح و روشن ترک کرد، که شب آن مانند روز آن است، جز هلاک شده از آن منحرف نمی شود، نیکی را نگذاشته مگر این که امتش را به سوی آن هدایت نموده، و هیچ بدی را نگذاشته مگر این که آنان را از آن در حذر داشته است.

بخش تفسیر

س 1: فاتحه را بخوانید و تفسیر کنید؟

ج- سوره فاتحه و تفسیر آن:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1)﴾

به نام الله بخشاینده و مهربان الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ 2 تمام ثنا و ستایش از الله (ج) پروردگار

عالمان است، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3).

بی نهایت بخشاینده و مهربان.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4).

مالک روز قیامت.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5).

تنها تورا عبادت می کنیم، و تنها از تو کمک می خواهیم.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6).

ما را به راه راست هدایت کن صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الضَّالِّينَ (7). ﴿﴾

راه کسانی که بر ایشان فضل و کرم کرده اید، نه راه آنانکه سزاوار غضب ات شده اند و نه آنانکه گمراه شده اند [سوره الفاتحه: 1 - 7].

تفسیر:

سوره فاتحه نامیده شده است چون کتاب الله به آن آغاز می شود.

(1) - ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1)﴾. بسم الله، شروع به خواندن قرآن می‌کنم، به یاری حق تعالی که با ذکر نامش مبارک می‌شود.

﴿الله﴾ یعنی: معبود بر حق، و کسی دیگر به آن یاد نمی‌شود سبحانه و تعالی.

﴿الرَّحْمَن﴾ یعنی: ذاتی که رحمت وسیع دارد رحمتی که همه چیز را فرا گرفته است.

﴿الرَّحِيم﴾ یعنی بر مؤمنان مهربان است.

(2) - ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2)﴾. یعنی: همه انواع حمد و کمال فقط مخصوص الله است.

(3) - ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3)﴾. یعنی صاحب رحمت وسیع که همه چیز را فرا گرفته است، و مهربانی واصله وی بر مؤمنان می‌باشد.

(4) - ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4)﴾. آن روز قیامت است.

(5) - ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5)﴾. یعنی: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.

6- ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6)﴾. و آن هدایت به سوی اسلام و سنت است.

(7) - ﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ فِي صِرَاطٍ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الضَّالِّينَ (7)﴾.

یعنی راه بندگان صالح الله از پیامبران و کسانی که از آنها پیروی کردند، نه راه نصارا و یهود.

سنت است که بعد از خواندن آن بگوید: (آمین) یعنی: استجابت کن برای ما.

س 2: سوره زلزله را بخوانید و تفسیر کنید؟

ج- سوره زلزله و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا (1).﴾

آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود (۱).

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (2).

و زمین بارهای سنگین خود را بیرون افکند (۲)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (3).

و انسان گوید [زمین] را چه شده است (۳).

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (4).

آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید.

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (5).

[همان گونه] که پروردگارت بدان وحی کرده است (۵). يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا

أَعْمَالَهُمْ (6).

آن روز مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود (۶).

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (7).

پس هر که هموزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۷).

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8).

و هر که هموزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۸) [سورة الزلزلة: 1 - 8].

تفسیر:

(1) - ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾: هرگاه زمین حرکت کند حرکت شدیدی که در

قیامت برای آن اتفاق می افتد.

(2) - ﴿وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾: و زمین آن چه را که در شکمش بود از مردگان و

دیگران بیرون آورد.

(3) - ﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾: و انسان در حال حیرت گفت: چه شد که زمین متحرک

و آشفته شد.

(4) - ﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾: در آن روز بزرگ، زمین از خوبی ها و بدی هایی که

در آن صورت گرفته است خبر می دهد.

(5) - ﴿بَانَ رَبِّكَ أَوْحَىٰ لَهَا﴾: چون الله متعال برایش آموخت و به آن امر نمود.

﴿يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ﴾: در آن روز بزرگ که زمین می لرزد،

مردم از موقف حساب بشکل گروهی بیرون می آیند، برای دیدن اعمالی که در دنیا انجام داده اند.

(7) - ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾: هر که به وزن مورچه کوچک عمل کند از

اعمال نیک و صالح؛ آن را می بیند.

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾: هر که به وزن آن عمل زشت انجام دهد؛ آن را می

بیند.

س 3: سوره عادیات را تلاوت و تفسیر کنید؟

ج- سوره عادیات و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (1)﴾.

سوگند به اسبان تیز تک [جهادگر] که نفس نفس می زنند (۱).

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (2).

و سوگند به آنها (که بر اثر برخورد سمشان به سنگهای بیابان) جرقه های آتش افروختند (۲).

فَالْمُنِيرَاتِ صُبْحًا (3).

و با دمیدن صبح بر دشمن یورش بردند (۳).

فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا (4).

و با آن [یورش] گردی برانگیزند (۴).

فَوْسَطْنَنَ بِهِ جَمْعًا (5).

و (ناگهان) در میان دشمن ظاهر شدند (۵).

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (6).

که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است (۶).

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (7).

و او خود بر این [امر] نیک گواه است (۷).

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (8).

و راستی او سخت شیفته مال است (۸).

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (9).

مگر نمی داند که چون آنچه در گورهاست بیرون ریخته گردد (۹).

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (10).

و آنچه در سینه هاست فاش شود (۱۰).

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (11).

در چنان روزی پروردگارشان به [حال] ایشان نیک آگاه است (۱۱). [سورة العاديات: ۱ - ۱۱].

تفسیر:

1- ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (1)﴾: الله سوگند یاد می کند به اسبانی که می دوند تا صدای نفس

های شان از شدت دویدن شنیده شود.

2- ﴿فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (2)﴾: او به اسبهایی سوگند یاد می کند که هرگاه نال های شان به

صخره ها برخورد کنند آتش می افروزند، از شدت ضربه شان که بر آنها می خورد.

3- ﴿فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (3)﴾: و سوگند یاد می کند به اسبانی که صبح بر دشمنان می تازند.

4- ﴿فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا (4)﴾: با دویدن خود گرد و خاک را در حرکت آوردند.

5- ﴿فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (5)﴾: پس توسط اسب های خود سپاه دشمن در میان گرفتند.

6- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (6)﴾: انسان مانع خیری می شود که پروردگارش از او می

خواهد.

7- ﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ (7). : و او برای مانع خیر گواه است، به دلیل روشن بودن آن نمی تواند آن را انکار کند.

8- ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (8). : و این که او به سبب محبت بیش از حد به مال در آن بخیلی می کند.

9- ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ﴾ (9). : پس آیا انسان فریب خورده به این زندگانی دنیوی نمی داند که هرگاه الله مردگان را از قبر بیرون کند و آنان را برای محاسبه و جزا از زمین بیرون بیاورد موضوع آنچه او گمان می کرد نخواهد بود؟

10- ﴿وَخُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ﴾ (10). : آنچه را که در دل از نیت ها و عقاید و غیره است برجسته و روشن شدند.

10- ﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ (11). : یقیناً آن روز پروردگارشان از آنها کاملاً آگاه است، هیچ کاری از بندگانش بر وی پوشیده نیست، و بر اساس آن به آنها پاداش و یا مجازات می دهد.

س4: سورة قارعه را تلاوت و تفسیر کنید؟

ج- سورة قارعه و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿الْقَارِعَةُ﴾ (1).

کوبنده (۱)

مَا الْقَارِعَةُ﴾ (2).

چیست کوبنده (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (3).

و توجه دانی که کوبنده چیست (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (4).

روزی که مردم چون پروانه [های] پراکنده گردند (۴)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (5).

و کوه ها مانند پشم زده شده رنگین شود (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (6).

اما هر که ترازوی اعمالش سنگین برآید (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (7).

پس وی در زندگی خوشی خواهد بود (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (8).

و اما هر که ترازوی اعمالش سبک برآید (۸)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (9).

پس جایش هاویه باشد (۹)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ (10).

و توجه دانی که آن چیست (۱۰)

نَارٌ حَامِيَةٌ (11).

آتشی است سوزنده (۱۱) [سورة القارعة: ۱ - ۱۱].

تفسیر:

- 1- ﴿الْقَارِعَةُ (1)﴾: ساعتی بنابر عظمت و وحشت دل های مردم را می کوبد.
- 2- ﴿مَا الْقَارِعَةُ (2)﴾: این چه ساعتی است که دل مردم را از وحشت می کوبد؟!
- 3- ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (3)﴾: و چه می دانی - ای پیامبر- این چه ساعتی است که از عظمت و وحشتش دل مردم را می کوبد؟! آن روز قیامت است.
- 4- ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (4)﴾: روزی که دلهای مردم به تپش بیفتد، مانند پروانه پراکنده و منتشر شده اینجا و آنجا.
- 5- ﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (5)﴾: کوه ها در سبکی و حرکتشان مانند پشم غلتانده و تکانده شده می باشند.
- 6- ﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (6)﴾: و اما کسانی که حسناتشان بر اعمال بدشان بیشتر است.
- 7- ﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (7)﴾: او در زندگی رضایت بخشی در بهشت می باشد.
- 8- ﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (8)﴾: و اما کسی اعمال بد او بر اعمال نیک او بیشتر باشد.
- 9- ﴿فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (9)﴾: جایگاه و آرامگاه او در روز قیامت جهنم است.
- 10- ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ (10)﴾: و تو چه می دانی - ای پیامبر- که آن چه است؟
- 11- ﴿نَارٌ حَامِيَةٌ (11)﴾: آتش بسیار داغی است.

س5: سوره تکاثر را تلاوت و تفسیر کنید؟

ج - سوره تکاثر و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان

﴿أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ (1)﴾.

تفاخر به بیشتر داشتن شما را غافل داشت.

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (2).

تا اینکه مُردید و وارد قبرهای تان شدید.

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (3).

نه چنین است زودا که بدانید.

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (4).

باز هم نه چنین است زودا که بدانید.

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (5).

هرگز چنین نیست اگر علم یقین داشتید.

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (6). به یقین دوزخ را می بینید

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (7).

سپس آن را قطعا به عین یقین درمی یابید.

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (8).

سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد. [سورة التكاثر: ۱ - ۸].

تفسیر:

1- ﴿الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ (1)﴾: شغل شما - ای مردم - به جای اطاعت از الله، افتخار به دارایی و فرزندان است.

2- ﴿حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (2)﴾: تا اینکه وفات نمودید و وارد قبرت شدید.

3- ﴿كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (3)﴾: فخر فروشی شما را از اطاعت الله مشغول نکند، زود است که عاقبت آن مشغله را بدانید.

4- ﴿ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (4)﴾: سپس زود است عاقبت آن را بدانید.

5- ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (5)﴾: همانا اگر به یقین بدانید که به سوی الله برانگیخته می شوید و او جزای اعمال تانرا به شما می دهد، به فخر فروشی به دارایی و فرزند مشغول نمی شدید.

6- ﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (6)﴾: به الله سوگند در روز قیامت آتش را خواهید دید.

7- ﴿ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (7)﴾: سپس آن را به شکل یقینی و بدون شک مشاهده می کنید.

8- ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾: سپس الله در آن روز از شما خواهد پرسید، از سلامتی، مال و چیزهای دیگر که به شما ارزانی داشته است.

س6: سورة عصر را تلاوت و آن را تفسیر نمایید؟

ج- سورة عصر و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿وَالْعَصْرِ (1)﴾.

سوگند به عصر (۱).

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (2).

که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲).

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (3)﴾.

مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند (۳) [سورة العصر: 1 - 3].

تفسیر:

(1) - ﴿وَالْعَصْرِ (1)﴾: الله متعال به زمان سوگند یاد نمود.

(2) - ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (2)﴾: یعنی: همه انسانها در حال نقصان و زیان هستند.

(3) - ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (3)﴾:

مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به سوی حق دعوت کردند و بر آن شکیبایی کردند، آنها از خسارت در امان هستند.

س 7: سورة همزه را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج- سورة همزه و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (1)﴾.

وای بر هر بدگوی عیبجوی (۱).

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (2).

همان کس که مال را جمع آوری و شماره کرده (۲).

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (3).

پندارد که مالش او را جاوید کرده (۳).

كَأَلَّا لِيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (4).

چنین نیست که او می‌پندارد، به زودی در آتش خرد کننده پرتاب می‌شود (۴).

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (5).

و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست (۵).

نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ (6).

به راستی که آتش افروخته الله است (۶).

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (7).

[آتش] که به دلها می‌رسد (۷).

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (8).

به راستی که آن آتش، کسانی را که در آن عذاب می شوند، از هر طرف محاصره کرده است (۸).

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (9).

در ستونهای کشیده و طولانی! (۹) [سورة الهمزة: ۱ - ۹].

تفسیر:

1- ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (1)﴾: عذاب بد و سخت برای غیبت کنندگان زیاد و طعن به آنان.

2- ﴿الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (2)﴾: کسی که به فکر جمع آوری و شمارش مال است، و دغدغه دیگری ندارد.

3- ﴿يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (3)﴾: او فکر می کند مالی را که جمع کرده او را از مرگ نجات می دهد، و در زندگی این دنیا جاودانه می ماند.

4- ﴿كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (4)﴾: چنان نیست که این جاهل تصور می کرد، در آتش جهنم افکنده می شود و هر چیزی که در آن افکنده شود از شدت نیرو ریز شده و می شکند.

5- ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (5)﴾: و تو چه دانی - ای رسول - این چه آتشی است که هر چه در آن افکنده شود نابود می کند؟!

6- ﴿نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ (6)﴾: آتش خروشان الله است.

7- ﴿الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (7)﴾: که از بدن مردم تا قلبشان نفوذ می کند.

8- ﴿إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (8)﴾: به روی عذاب دیده ها بسته است.

9- ﴿فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ (9)﴾: با کشش طولانی، تا از آن خارج نشوید.

س 8: سوره فیل را تلاوت نموده و آن را تفسیر نمایید؟

ج- سوره فیل و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (1)﴾.

مگر ندیدی پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد (۱).

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (2)﴾.

آیا نیرنگشان را بر باد نداد (۲).

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (3)﴾.

و بر سر آنها دسته دسته پرندگانی ابابیل فرستاد (۳).

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (4)﴾.

[که] بر آنان سنگهایی از گل [سخت] می افکندند (۴).

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (5)﴾.

و آنان را مانند گاه جویده شده گردانید (۵).

[سورة الفيل: ۱ - ۵].

تفسیر:

1- ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (1)﴾: آیا نمی دانستی - ای رسول -

پروردگارت با ابرهه و اصحاب فیل که می خواستند کعبه را ویران کنند، چگونه رفتار کرد؟!

2- ﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (2)﴾: الله نقشه بد آنها را برای از بین بردن آن ضایع

نمود، پس آنچه آرزو داشتند بدست نیاورند از قبیل برگرداندن مردم از کعبه، و نتوانستند به آن آسیب برسانند.

3- ﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (3)﴾: و پرنده‌گانی را بر آنان فرستاد و دسته دسته نزد آنان

آمدند.

4- ﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (4)﴾: به سمت اونها سنگ پرتاب می کردند که از خاک

آتشین ساخته شده بود.

5- ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (5)﴾: پس الله متعال آنها را مانند برگهای زرع شده قرار

داد که توسط چارپایان خورده و پایمال شده باشد.

س 9: سوره قریش را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج- سوره قریش و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿لَا يَلَافٍ قُرَيْشٍ (1)﴾.

برای الفت دادن قریش (۱).

﴿إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (2)﴾.

الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان (۲).

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (3).

پس باید پروردگار این خانه را بپرستند (۳).

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (4).

همان که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم آسوده خاطرشان کرد (۴) [سورة قریش: ۱ - ۴].

تفسیر:

1- ﴿لَا يَلَافٍ قُرَيْشٍ (1)﴾: منظور این است که اونها آنچه از سفر در زمستان و تابستان علاقمند بودند.

2- ﴿إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (2)﴾: سفر زمستانی به یمن و سفر تابستانی به شام بطور امن.

3- ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (3)﴾: پس الله را بپرستند که تنها پروردگار این بیت الله الحرام است، که این سفر را برایشان آسان کرد و کسی را شریک او قرار ندهند.

4- ﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (4)﴾: ذاتی که آنها را از گرسنگی سیر کرد و از ترس ایمن ساخت، به سبب آنچه در دل عرب ها از حرمت حرم، و حرمت اهل آن نهاده شد.

س10: سوره ماعون را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج: سوره ماعون و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ (1)﴾.

آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می خواند دیدی (۱).

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (2).

این همان کس است که یتیم را به سختی می راند (۴).

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (3).

و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند (۳).

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (4).

پس وای بر نمازگزارانی (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (5).

که از نمازشان غافلند (۵).

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (6).

آنان که ریا می کنند (۶).

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (7).

و (از پرداخت زکات و) عاریت دادن وسایل ضروری زندگی دریغ می ورزند (۷) [سورة الماعون: ۱ - ۷].

تفسیر:

1- ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ﴾: آیا می دانستی چه کسی جزای روز قیامت را تکذیب می کند؟!

2- ﴿فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾: آن کسی است که یتیم را از حاجتش با خشونت دفع می کند.

3- ﴿وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (3).﴾: نه خود را و نه دیگران را به اطعام مساکین ترغیب می کند.

4- ﴿فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (4).﴾: هلاکت و عذاب بر نمازگزاران.

5- ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (5).﴾: کسانی که در نمازهای خود سهل انگاری می کردند، و به آن اهمیتی نمی دادند تا این که وقت آن تمام می شد.

6- ﴿الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (6).﴾: کسانی که با نماز و اعمال خود خودنمایی می نمودند، و آن را برای الله انجام نمی دادند.

7- ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (7).﴾: و دیگران را از همکاری مانع می شدند، بدون این که در کمک کردن به او ضرر متوجه نشود.

س 11: سوره کوثر را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج: سوره کوثر و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (1).﴾

ما تو را [چشمه] کوثر دادیم (۱).

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (2).

پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن (۲).

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (3).﴾

که محققا دشمن تو مقطوع النسل است.

[سورة الكوثر: ۱-۳].

تفسیر:

1- ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (1)﴾: ما به تو - ای رسول - خیر بسیار می دهیم و از آن نهر الكوثر در بهشت است.

2- ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (2)﴾: پس الله را به خاطر این نعمت سپاس گذاری کن، تنها برای او نماز را ادا نموده و تنها برای او ذبح کن، بر خلاف آنچه مشرکان از طریق ذبح به بت های خود خود را به آنها نزدیک می سازند.

3- ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (3)﴾: کسی که از تو متنفر است کسی است که از همه خوبی های فراموش شده و بریده شده است، اگر یاد شود به بدی یاد می شود.

س 12: سورة کافرون را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج: سورة کافرون و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (1)﴾.

بگو ای کافران (۱).

﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (2)﴾.

آنچه می پرستید نمی پرستم (۲).

﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (3)﴾.

و آنچه می پرستم شما نمی پرستید (۳).

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (4).

و نه آنچه پرستیدید من می پرستم (۴).

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أُعْبُدُ (5).

و نه آنچه می پرستم شما می پرستید (۵).

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (6).

دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶).

[سورة الكافرون: ۱ - ۶].

تفسیر:

1- ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (1)﴾: بگو ای پیامبر: ای کسانی که به الله کفر ورزیده اید.

2- ﴿لَا أُعْبُدُ مَّا تَعْبُدُونَ (2)﴾: من اکنون و در آینده بت هایی را که شما می پرستید نمی پرستم.

3- ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أُعْبُدُ (3)﴾: و شما آنچه را که من می پرستم نمی پرستید، و او الله یگانه است.

4- ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (4)﴾: و من نمی پرستم آنچه را شما از بت ها می پرستید.

5- ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أُعْبُدُ (5)﴾: و شما آنچه را که من می پرستم نمی پرستید و او الله یگانه است.

6- ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (6)﴾: برای شما دینی که برای خود اختراع کردید و برای من دینی که الله آن را بر من نازل نموده است.

س 13: سوره نصر را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج: سوره نصر و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (1)﴾.

چون یاری الله و پیروزی فرا رسد (۱)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (2).

و ببینی که مردم دسته دسته در دین الله درآیند (۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (3).

پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه که وی همواره توبه پذیر است (۳).

[سورة النصر: ۱ - ۳].

تفسیر:

1- ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (1)﴾: اگر یاری الله به دینت رسید - ای رسول - و آن را معزز

نمود، و فتح مکه صورت گرفت.

2- ﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (2)﴾: و مردمی را دیدی که گروه پس

از گروه وارد اسلام شدند.

3- ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (3)﴾: بدان که این نشانه آن است که

مسولیت که به آن اعزام شده اید نزدیک به اتمام است، پس حمد و ثنای پروردگارت را ادا کن، و

نعمت پیروزی و فتح را سپاسگذاری کن، و از او طلب آمرزش کن، او آمرزنده است توبه بندگان را

می پذیرفت و آنها را می بخشد.

س 14: سوره مسد را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج: سوره مسد و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (1)﴾.

بریده باد دو دست ابولهب و مرگ بر او باد (۱)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (2)﴾.

دارایی او و آنچه اندوخت سودش نکرد (۲).

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (3)﴾.

بزودی در آتشی پرزبانه درآید (۳).

وَأَمْرَاتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (4)﴾.

و نیز همسرش که هیزم آتش افروز دوزخ باشد (۴).

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ (5)﴾.

بر گردنش طنابی از لیف خرماست (۵).

[سورة المسد: ۱ - ۵].

تفسیر:

1- ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (1)﴾: دست عموی پیامبر (صلی الله علیه وسلم) ابولهب

بن عبدالمطلب خسارت دید براساس خسارت عملش، چون پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را اذیت می کرد، تلاش او نا امید شد.

2- ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ﴾ (2). ﴿﴾: هیچ چیزی از زمال و فرزندان برایش سود نرسانید، نه عذابی را از او دفع کرد و نه رحمت را برایش به ارمغان آوردند.

3- ﴿سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ﴾ (3). ﴿﴾: در روز قیامت به آتش شعله دار وارد می شود، که از حرارتش رنج می برد.

4- ﴿وَأَمْرَاتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ (4). ﴿﴾: و همسرش ام جمیل که به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) آسیب می رساند و بر سر راه وی خار می انداخت.

5- ﴿فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ﴾ (5). ﴿﴾: در گردن او طناب محکمی می باشد که با آن او را به داخل آتش می برند.

س 15: سوره اخلاص را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج- سوره اخلاص و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (1).

بگو اوست الله یگانه (۱).

اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ (2).

الله بی نیاز است (۲).

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ (3).

[کسی را] نزاده و زاده نشده است (۳).

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (4).

و هیچ کس او را همتا نیست (۴).

[سورة الإخلاص: 1 - 4].

تفسیر:

- 1- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1)﴾: بگو - ای رسول - او الله است، معبودی جز او نیست.
- 2- ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ (2)﴾: یعنی: نیازهای مخلوقات به او راجع می شود.
- 3- ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (3)﴾: او نه پسری دارد و نه پدري.
- 4- ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (4)﴾: برای او تعالی در مخلوقات وی مانندی نیست.

س 16: سوره فلق را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج- سوره فلق و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (1)﴾.

بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم (۱).

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (2).

از شر آنچه آفریده است (۲).

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (3).

و از شر تاریکی چون فراگیرد (۳).

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (4).

و از شر آنها که در گره ها می دمند (۴).

﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (5)﴾

و از شر [هر] حسود آنگاه که حسد ورزد (۵).

[سورة الفلق: 1-5].

تفسیر:

1- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (1)﴾: بگو ای رسول: من به پروردگار صبح چنگ می زنم، و به او پناه می برم.

2- ﴿مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (2)﴾: از شری مخلوقاتی که ضرر می رسانند.

3- ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (3)﴾: و پناه می برم به الله از بلاهایی که در شب از حیوانات و دزدان ظاهر می شوند.

4- ﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (4)﴾: و به او پناه می برم از شر جادوگرانی که در گره ها می دمند.

5- ﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (5)﴾: و از شر حسودی که از مردم بدش می آید، چون بر نعمت هایی که الله به آنها داده است حسد می ورزد، او خواهان نابودی آنها و آسیب رساندن به آنها می باشد.

س 17: سورة ناس را تلاوت و تفسیر نمایید؟

ج- سورة ناس و تفسیر آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده ومهربان.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (1)﴾.

بگو پناه می برم به پروردگار مردم (۱).

﴿مَلِكِ النَّاسِ (2)﴾.

پادشاه مردم (۲).

﴿إِلَهِ النَّاسِ (3)﴾.

معبود مردم (۳).

﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (4)﴾.

از شر وسوسه گر نهانی (۴).

﴿الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (5)﴾.

آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند (۵).

﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (6)﴾.

چه از جن و [چه از] انس (۶) [سورة الناس: 1 - 6].

تفسیر:

1- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (1)﴾: بگو ای رسول: من به پروردگار مردم چنگ می زنم و از او

پناه می جویم.

2- ﴿مَلِكِ النَّاسِ (2)﴾: هر طور که بخواهد در آنها تصرف می کند، آنها مالک دیگری جز او

ندارند.

3- ﴿إِلَهِ النَّاسِ (3)﴾: معبود واقعی آنها است، هیچ معبودی بر حق برای آنها جز او نیست.

- 4- ﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (4)﴾: از شر شیطان به مردم وسوسه می اندازد.
- 5- ﴿الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (5)﴾: وسوسه خودش را در دلهای مردم می اندازد.
- 6 - ﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (6)﴾. یعنی فرد وسواسی می توان انسان و می توان جن باشد.

بخش حدیث

• حدیث اول:

س 1: حدیث « إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ... » را تکمیل نموده و برخی از فواید آن را ذکر کنید؟
 ج - از امیرالمؤمنین ابو حفص عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) روایت است که فرمود: از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شنیدم که می فرمود: «عمل از روی نیت است، و هر کس به آنچه اراده کرده است می رسد، پس هر که به سوی الله و رسولش هجرت کرد، هجرت او برای الله و رسولش است، و هر کس که هجرت او به خاطر منافع دنیا یا برای ازدواج زنی باشد، پس هجرت او برای همان چیزی است که به آن هجرت کرده است.» بخاری و مسلم روایت نمودند.

فواید حدیث:

- 1- هر عمل باید نیت داشته باشد مانند نماز و روزه و حج و غیره اعمال دیگر.
- 2- اخلاص به الله در نیت لازم است.

• حدیث دوم:

س 2: حدیث «من أحدث في أمرنا هذا...» را تکمیل نموده و فواید آن را ذکر کنید؟
 ج - از مادر مؤمنان ام عبدالله عایشه (رضی الله عنها) روایت است که می گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «کسی که در دین ما نوآوری کند که در آن نباشد، مردود است.» بخاری و مسلم روایت نمودند.

فواید حدیث:

- 1- نهی از نوآوری در دین.
- 2- اعمال نو ایجاد شده مردود بوده و پذیرفته نمی شوند.

• حدیث سوم:

س 3: حدیث (بینما نحن جلوس عند رسول الله ﷺ...) را تکمیل نموده و برخی از فواید آن را ذکر کنید؟

ج - عمر بن خطاب (رضی الله عنه) می فرماید: در حالی که روزی نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نشسته بودیم، مردی با لباس بسیار سفید، موهای بسیار سیاه بر ما ظاهر شد. هیچ اثری از سفر بر او دیده نمی شد و هیچ یک از ما او را نمی شناخت، تا اینکه نزد پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نشست و زانوی خود را بر زانوهایش گذاشت و کف دست خود را بر ران های خود گذاشت. و گفت: ای محمد از اسلام به من خبر بده، به او گفت: اسلام: گواهی بدهی به اینکه معبودی برحق جز الله نیست و محمد فرستاده الله است، نماز را بر پا داری، زکات را بدهی، رمضان را روزه بگیری و زیارت خانه کعبه را اگر راهی به سوی آن یافتی ادا کنی» گفت: «راست گفتی» ما از این که از او می پرسد و تصدیق می کند، شگفت زده شدیم، گفت: از ایمان به من خبر بده. گفت: اینکه به الله، فرشتگان، کتابها، پیامبران، روز آخرت، و ایمان به قدر خیر و شر آن. گفت: راست می گویی. گفت: از احسان به من خبر بده، گفت: آنکه الله را چنان عبادت کنی که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی پس او تو را می بیند». گفت: «پس مرا از قیامت خبر بده». گفت: «سوال شونده از سوال کننده داناتر نیست؟» گفت: «پس از نشانه های آن به من خبر بده». گفت: اینکه کنیزی با دارش را به دنیا بیاورد، و این که پابرنه ها و بی چاره ها چوپانانی را ببینی که ساختمان های بلند اعمار می کنند.» سپس رفت و اندکی درنگ کرد، گفت: «ای عمر! آیا می دانی سوال کننده چه کسی بود؟» گفتم: «الله و رسولش داناترند.» گفت: «او جبرئیل بود، آمد تا دین شما را به شما بیاموزد». روایت مسلم

از فوائد حدیث:

1- ذکر ارکان پنج گانه اسلام، و آن:

گواهی بر اینکه معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده الله است.

برپایی نماز

ادای زکات

و روزه رمضان.

و حج بیت الله الحرام.

2- ذکر ارکان ایمان، و آنها شش هستند:

ایمان به الله.

و فرشتگانش.

و کتاب هایش.

و فرستادگانش.

و روز آخرت.

و خیر و شر قدر.

3- ذکر رکن احسان، و آن یک رکن است، این که الله را چنان عبادت کنی که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی او تو را می بیند.

4- وقت برپایی قیامت را کسی بجز الله نمی داند.

• حدیث چهارم:

س 4: حدیث «أكمل المؤمنين إيماناً...» را تکمیل و فواید آن را ذکر کنید؟

ج- از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که گفت: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «کاملترین مؤمنان از نگاه ایمان، نیکوترین شان از نگاه اخلاق هستند». ترمذی روایت کرده و گفت: حدیث حسن صحیح است.

فواید حدیث:

1- تشویق به اخلاق نیک.

2- کمال اخلاق از کمال ایمان است.

3- و این که ایمان کم و زیاد می شود.

• حدیث پنجم:

س 5: حدیث «من حلف بغير الله...» را تکمیل نموده و برخی از فواید آن را ذکر کنید؟
ج - از ابن عمر (رضي الله عنهم) روایت است که پیامبر (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «کسی که به غیر الله سوگند یاد کند؛ کافر شده و یا شرک نموده است.» ترمذی روایت نموده است.

از فوائد حدیث:

- سوگند جز به الله متعال جایز نیست.
- سوگند به غیر الله متعال شرک اصغر است.

• حدیث ششم:

س 6: حدیث «لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه...»، را تکمیل نموده و فواید آن را بیان کنید؟
ج - از انس (رضي الله عنه) روایت است که رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «هیچ یک از شما ایمان نمی آورد تا اینکه من نزد او از پدر و پسرش و همه مردم عزیزتر باشم.» به روایت بخاری و مسلم.

فواید حدیث:

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) را باید از همه مردم بیشتر دوست داشت.
و این از کمال ایمان است.

• حدیث هفتم:

س 7: حدیث: «لا یؤمن أحدکم حتی یحب لأخیه...»، را تکمیل نموده و برخی از فواید آن را ذکر کنید؟

ج- از انس (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «هیچ یک از شما مومن بوده نمی تواند، تا اینکه آنچه را که برای خود می پسندد برای برادرش نیز بیسندد.» روایت بخاری و مسلم.

فوائد حدیث:

1- مؤمن باید خوبی هایی را که برای خود می پسندد برای مؤمنان نیز بیسندد. و این کمال ایمان است.

• حدیث هشتم:

س 8: حدیث «والذي نفسي بيده!...» را تکمیل نموده و برخی از فواید آن را ذکر کنید؟

ج - از ابوسعید (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «سوگند به ذاتی که جان من در اختیار اوست! آن معادل یک سوم قرآن است.» روایت بخاری.

برخی از فواید حدیث:

1- فضیلت سوره اخلاص.

2- آن معادل یک سوم قرآن است.

• حدیث نهم:

س 9: حدیث «لا حول ولا قوة إلا بالله...»، را تکمیل نموده و برخی از فواید آن را ذکر کنید؟

ج - از ابوموسی (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «لا حول ولا قوة إلا بالله، یکی از گنج های بهشت است.» بخاری و مسلم روایت نمودند.

فواید حدیث:

- 1- فضیلت این کلمه، و اینکه از گنج های بهشت است.
- 2- بنده خود را از توانایی و قوت خود مبرا می کند، و اعتماد خود را تنها به الله متعال بیان می نماید.

• حدیث دهم:

س 10: حدیث «ألا إن في الجسد مضغة...» را تکمیل نموده و برخی از فواید آن را ذکر کنید؟
 ج - از نعمان بن بشیر (رضی الله عنه) روایت است که گفت: از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شنیدم که می فرمود: «همانا پاره ای در بدن است اگر سالم شود تمام بدن سالم می شود، و اگر فاسد شود تمام بدن فاسد می شود و آن دل است». بخاری و مسلم روایت نمودند.

برخی از فواید حدیث:

- 1- اصلاح دل (قلب) شامل اصلاح ظاهر و باطن است.
- 2- توجه به اصلاح دل، زیرا اصلاح انسان به آن وابسته است.

• حدیث یازدهم:

س 11: حدیث «من كان آخر كلامه من الدنيا: لا إله إلا الله..» را تکمیل نموده و برخی از فواید آن ذکر کنید؟

ج- از معاذ بن جبل (رضی الله عنه) روایت است که فرمود: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هر که آخرین سخنش این بود: لا اله الا الله؛ وارد بهشت می گردد» به روایت ابوداود.

برخی از فواید حدیث:

- 1- فضیلت لا اله الا الله و اینکه بنده از طریق آن وارد بهشت می شود.
- 2- فضیلت کسی که آخرین سخنش از دنیا لا اله الا الله است.

• حدیث دوازدهم:

س 12: حدیث «لیس المؤمن بالطعان، ولا اللعان...» را تکمیل نموده و برخی از فواید آن بیان کنید؟

ج - از عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) روایت است که فرمود: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: "مومن نمی تواند طعنه و لعنت دهنده، فُحش دهنده، و بد زبان باشد" به روایت ترمذی.

از فواید این حدیث:

1- نهی از هرگونه گفتار نادرست و ناسزا.

2- این صفت مؤمن در زبان اوست.

• حدیث سیزدهم:

س 13: حدیث «من حسن إسلام المرء...» را تکمیل نموده و برخی از فواید آن ذکر کنید؟

ج- از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که فرمود: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: "از خوبی اسلام انسان، ترک آنچه است که به او مربوط نمی شود" به روایت ترمذی و دیگران

از فواید این حدیث:

1- ترک آنچه به انسان در مسائل دین و دنیای دیگران مربوط نمی شود.

2- از کمال اسلام انسان، ترک چیزی است که مربوط به او نمی شود.

• حدیث چهاردهم:

س 14: حدیث: «من قرأ حرفاً من کتاب الله...» را تکمیل نموده و برخی از فواید آن ذکر کنید؟

ج - از عبدالله بن مسعود روایت است که: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «کسی که حرفی از کتاب الله را بخواند یک حسنه برایش داده می شود، و یک حسنه با ده برابر است، نمی گویم:

الف لام میم حرف است، بلکه الف حرف است، لام حرف است، و میم حرف است. به روایت ترمذی.

برخی از فواید این حدیث:

1- فضیلت تلاوت قرآن.

2- و اینکه هر حرفی که می خوانی حسنه ها دارد.

بخش آداب اسلامی

ادب با الله متعال:

- س1- ادب با الله متعال چگونه می باشد؟
 - ج- 1- تعظیم الله سبحانه و تعالی.
 - 2- وی را تنها و بدون شریک پرستیدند.
 - 3- طاعت وی.
 - 4- ترک نافرمانی وی.
 - 5- سپاس و حمد و ثنای وی بخاطر مهربانی و نعمت های بی شمارش.
 - 6- صبر در برابر تقدیرات الهی

ادب با پیامبر ﷺ:

س2: ادب با پیامبر ﷺ چگونه می باشد؟

- 2- اطاعت وی و اقتدا به وی.
- 3- طاعت وی.
- 4- ترک نافرمانی وی.
- 5- تصدیق وی در آنچه وی خبر می دهد.
- 6- . عدم نوآوری و زیادت در سنت وی.
- 7- دوست داشتن وی بیشتر از خویشان و همه مردم.
- بزرگ پنداشتن، نصرت وی و نصرت سنت وی (صلی الله علیه وسلم).

س3: ادب با والدین چگونه می باشد؟

- ج- 1- اطاعت والدین در عدم معصیت.
- 2- خدمت والدین.
- 3- همکاری با والدین .
- 4- مرفوع ساختن نیازهای والدین.
- 5- دعاء برای والدین.
- 6- مراعات ادب هنگام سخن گفتن با ایشان، و به زبان آوردن کلمه (اف) در برابر والدین جواز ندارد، و این ناچیزترین سخن هاست.
- 7- تبسم در برابر والدین و عدم پیشانی ترشی با آنان.
- 8- صدایم را بالاتر از صدای پدر و مادر نمی برم، به حرفشان گوش می دهم، حرفشان را قطع نمی کنم و آنها را به اسم شان صدا نمی کنم، بلکه می گویم: پدرم، مادرم.
- 9- قبل از داخل شدن به پدر و مادرم در حالی که در اتاق باشند اجازه می گیرم.

10- بوسیدن دست و سر والدین.

آداب صلۀ رحم:

س4: رحم را چگونه وصل نمایم؟

ج-1- زیارت نزدیکان اعم از برادر، خواهر، کاکا، عمه، ماما، خاله و بقیه نزدیکان.

2- با آنها در گفتار و عمل احسان کردن و کمک نمودن آنان.

3- از آن جمله برقراری تماس با آنها و جویا شدن احوال ایشان می باشد.

آداب برادری برای الله متعال:

س5: با برادران و دوستانم چگونه باید باشم؟

- ج-1- دوست می دارم و خوبان را همراهی می کنم.
- 2- از همراهی با مردم بد دوری کرده دوستی با آنان را ترک می کنم.
- 3- به برادرانم سلام می دهم و با آنها مصافحه می کنم.
- 4- اگر مریض باشند آنها را عیادت می کنم و برایشان دعای شفا می کنم.
- 5- جواب عطسه کننده را می دهم.
- 6- اگر مرا به زیارت خود دعوت کند، دعوت او را می پذیرم.
- 7- به او نصیحت می کنم.
- 8- اگر به او ظلم شد کمکش می کنم و از ظلم بر دیگران باز می دارم.
- 10- آنچه را برای خود دوست دارم برای برادر مسلمانم دوست می دارم.
- 11- اگر به کمک من نیاز داشت به او کمک می کنم.
- 12- با گفتار و فعل به او اذیت نمی رسانم.
- 13- راز او را حفظ می کنم.
- 14- او را دشنام نمی دهم، او را غیبت نمی کنم، او را تحقیر نمی کنم، به او حسد نمی ورزم، علیه او جاسوسی نمی کنم و فریبش نمی دهم.

آداب همسایگی:

س6: آداب همسایه چیست؟

- الف- 1- به همسایه در گفتار و عمل نیکی می کنم و اگر به کمک من نیاز داشت کمکش می کنم.
- 2- هرگاه به عید، ازدواج یا چیز دیگری خوشحال باشد به او تبریک می گویم.
- 3- اگر مریض باشد او را عیادت می کنم، و اگر مصیبت زده باشد از او دلجویی می کنم.
- 4- تا حد امکان هر چه برای خود غذا آماده می کنم برای او هم می دهم.
- 5- با گفتار و با عمل به او اذیت نمی رسانم.
- 6- با صدای بلند مزاحم او نمی شوم و بر او جاسوسی نمی کنم، و با او صبور می باشم.

آداب مهمان نوازی:

س7: آداب مهمان نوازی و مهمان چیست؟

- ج-1- هرگاه مرا به مهمانی دعوت نماید او را اجابت می کنم.
- 2- اگر بخواهم به ملاقات کسی بروم، اجازه می گیرم و قرار ملاقات می گذارم.
- 3- قبل از ورود اجازه می گیرم.
- 4- در زیارت دیر نمی کنم.
- 5- چشمانم را از اهل خانه می بندم.
- 6- از مهمان پذیرایی می کنم و با بهترین استقبال و با چهره ای بشاش و بهترین خوشامدگویی و پذیرایی می کنم.
- 7- مهمان را در بهترین مکان می نشانم.
- 8- و او را به مهمان نوازی به غذا و نوشیدنی تکریم می نمایم.

آداب بیماری:

س 8: آداب بیماری و عیادت از بیماران را ذکر کنید؟

ج- 1- هنگام احساس درد می‌کنم؛ دست راستم را بر سر جای درد می‌گذارم، و سه مرتبه می‌گویم: بسم الله، هفت مرتبه می‌گویم: «أعوذ بعزة الله وقدرته من شر ما أجد وأحاذر» از شر آنچه می‌یابم به عزت و قدرت خدا پناه می‌برم.

2- به آنچه الله مقدر کرده راضی و شکیبامی باشم.

3- به عیادت برادر بیمارم می‌شتابم و برایش دعا می‌کنم و مدت زیادی با او نمی‌نشینم.

4- بدون اینکه از من بخواهد او را دم می‌نمایم.

5- او را به صبر و دعا و نماز و طهارت در حد توانش توصیه می‌کنم.

6- دعا برای مریض: «أسأل الله العظيم رب العرش العظيم أن يشفيك» هفت مرتبه

آداب فراگیری علم:

س9: آداب فراگیری علم را ذکر کنید؟

- ج - 1- اخلاص نیت به الله متعال.
- 2- به علمی که آموخته ام عمل می کنم.
- 3- معلم را در حضور و غیاب احترام و تکریم می کنم.
- 4- در برابر او با ادب می نشینم.
- 5- به او خوب گوش می دهم و در درس او را قطع نمی کنم.
- 6- در سوال کردن با ادب می باشم.
- 7- با اسمش او را صدا نمی زنم.

آداب مجلس:

س 10: آداب مجلس چیست؟

- ج - 1- به اهل مجلس سلام می دهیم.
- 2- در جایی که مجلس تمام می شود آنجا می نشینم، هیچ کسی را از جایش بلند نمی کنم و بدون اجازه بین دو نفر نمی نشینم.
- 3- در مجلس برای نشستن دیگران جا می دهیم.
- 4- سخنان مجلس را قطع نمی کنم.
- 5- قبل از خروج از مجلس اجازه می گیرم و سلام می دهیم.
- 6- وقتی مجلس تمام می شود دعای کفاره مجلس را می خوانم. «سبحانك اللهم وبحمدك، أشهد أن لا إله إلا أنت، أستغفرك وأتوب إليك». پاکیزت و ستایش است ترا ای پروردگار، گواهی می دهیم که معبود برحق جز تو نیست، از تو طلب مغفرت می کنم و به تو توبه می کنم.

آداب خواب:

س 11: آداب خواب را ذکر کنید؟

الف- زود میخوابم.

2- در حالت طهارت می خوابم.

3- به روی شکم نمی خوابم.

4- به پهلو راست می خوابم و دست راستم را زیر گونه راستم می گذارم.

5- بستر خوابم را تکان می دهم.

6- اذکار خواب را از قبیل آیت کرسی، سوره اخلاص و معوذتین سه مرتبه می خوانم. و می گویم: «باسمك اللهم أموت وأحيا». الهی به نام تو می میرم و زنده می شوم.

7- برای نماز صبح بر می خیزم.

8- بعد از بیدار شدن از خواب می گویم: «الحمد لله الذي أحيانا بعدما أماتنا وإليه النشور». سپاس الله را که پس از مرگ ما را زنده نمود و بسوی وی حشر می شویم.

آداب غذا خوری:

س12: آداب غذا خوردن چیست؟

- ج-1- با خوردن و آشامیدن نیت میکنم که برای عبادت الله متعال تقویت شوم.
- 2- شستن دست ها قبل از خوردن غذا.
- 3- بسم الله می گویم و با دست راست و آنچه نزدیکم است می خورم، از وسط ظرف ها و از جلو دیگران نمی خورم.
- 4- اگر بسم الله گفتن فراموش کنم می گویم: بسم الله اوله و آخره .
- 5- به آنچه از غذا موجود است راضی می باشم، و بر غذا ایراد نمی گیرم، اگر آن را دوست داشتم می خورم و اگر دوست نداشتم ترکش می کنم.
- 6- چند لقمه می خورم و زیاد نمی خورم.
- 7- بر غذا و نوشیدنی پف نمی کنم و می گذارم تا سرد شود.
- 8- در غذا با خانواده یا مهمان یکجا می شوم.
- 9- قبل از دیگران که از خودم بزرگتر اند شروع به خوردن نمی کنم.
- 10- وقتی می نوشم نام الله را به زبان آورده و نشسته و در سه دفعه می نوشم.
- 11- وقتی غذا را تمام کردم الله را شکر می کنم.

آداب لباس:

س13: آداب لباس را بشمارید؟

- ج- 1 لباسم را با دست راست می پوشم و از این بابت الله را شکر می کنم.
- 2- لباس را تا زیر میچ پا دراز نمی کنم.
- 3- پسران لباس دخترانه نمی پوشند و دختران لباس پسرانه نمی پوشند.
- 4- تقلید نکردن لباس کافران یا فاسقان.
- 5- گفتن بسم الله هنگام در آوردن لباس.
- 6- پوشیدن کفش از سمت راست و در درآوردن آن از سمت چپ.

آداب سواری:

س 14: آداب سواری را ذکر کنید؟

ج- 1- می گویم: بِسْمِ اللّٰهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ. ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾ (13)

پاك است ذاتی که این را برای ما رام کرد و [گرنه] ما را یارای [رام ساختن] آنها نبود (۱۳)

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿۱۴﴾.

و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت (۱۴) [سورة الزخرف: 13، 14].

2- اگر از کنار مسلمانی بگذرم؛ به او سلام می دهم.

آداب جاده (راه):

س15: آداب جاده (راه) را ذکر کنید؟

- ج- 1 - در جاده رفتن میانه رو و متواضع می باشم و در سمت راست جاده می روم.
- 2- با کسی که روبرو می شوم سلام می دهم.
- 3- نگاهم را پایین می اندازم و به کسی آسیب نمی رسانم.
- 4- امر به معروف و نهی از منکر می کنم.
- 5- هر چیزی اذیت دهنده را از جاده دور می کنم.

آداب دخول و خروج از منزل:

س 16: آداب دخول و خروج از منزل را ذکر کنید؟

ج- 1- با پای چپ بیرون می روم و می گویم: «بسم الله، توكلت على الله، لا حول ولا قوة إلا بالله، اللهم إني أعوذ بك أن أضل أو أضل، أو أزل أو أزل، أو أظلم أو أظلم، أو أجهل أو يجهل علي». به نام الله توكل کردم بر الله هیچ قوت و نیرویی جز به الله نیست، الهی به تو پناه می برم این که گمراه شوم یا دیگری را گمراه کنم، یا به سبب ارتکاب گناه پاهایم بلغزد و یا سبب لغزش پاهای دیگری شوم، یا مورد ستم قرار گیرم و یا سبب ستم بر دیگران شوم، و یا مانند جاهلان عمل کنم و یا دیگران کار جاهلانه را بر من عملی کنند.»

2- با پای راست داخل خانه می شوم و می گویم: «بسم الله ولجنا، وبسم الله خرجنا، وعلى ربنا توكلنا». «به نام الله وارد شدیم و به نام الله بیرون آمدیم و بر پروردگاران توکل کردیم.»

3- با مسواک زدن شروع می کنم سپس به اهل خانه سلام می دهم.

آداب قضای حاجت:

س17: آداب قضای حاجت را ذکر کنید؟

- ج-1- با پای چپ داخل می شوم.
- 2- قبل از داخل شدن می گویم: «بسم الله، اللهم إني أعوذ بك من الخبث والخبائث». «بسم الله، بار الها از شر شیاطین نر و ماده، یا هر پلیدی و نا پاکی دیگر به تو پناه می برم».
- 3- چیزی که در آن ذکر الله باشد داخل نمی کنم.
- 4- هنگام قضای حاجت خود را پوشش می دهم.
- 5- در جای قضای حاجت حرف نمی زنم.
- 6- هنگام ادرار و یا غایط رو و یا پشت خود را بسمت قبله قرار نمی دهم.
- 7- از دست چپ برای رفع نجاست استفاده می کنم و از دست راست استفاده نمی کنم.
- 8- قضای حاجت خود را در راه و در مکان سایه بان مردم انجام نمی دهم.
- 9- بعد از قضای حاجت دست هایم را می شویم.
- 10- با پای چپ بیرون می روم و می گویم: "غفرانك". یعنی ای الله مرا ببخش.

آداب مسجد:

س 18: آداب مسجد را ذکر کنید؟

- ج- 1- با پای راست وارد مسجد می شوم و می گویم: «بسم الله، اللهم افتح لي أبواب رحمتك». به نام الله، الهی درهای رحمتت را به رویم بگشا.
- 2- تا دو رکعت نماز نخوانم نمی نشینم.
- 3- از جلو نماز گذاران عبور نمی کنم، و گمشده ام را در مسجد اعلام نمی کنم، و خرید و فروش را در مسجد انجام نمی دهم.
- 4- با پای چپ از مسجد بیرون می شوم و می گویم: «اللهم إني أسألك من فضلك». "الهی فضل تو را می خواهم"

آداب سلام:

س19: آداب سلام را ذکر کنید؟

- ج-1- وقتی با مسلمانی روبرو می شوم، به سلام شروع می کنم، و می گویم: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» نه بدون سلام، و تنها با دست اشاره نمی کنم.
- 2- بر روی کسی که سلام دهم تبسم می کنم.
- 3- با دست راستم مصافحه می کنم.
- 4- اگر کسی به من سلام دهد، جواب بهتری به او می دهم یا همان را برمی گردانم.
- 5- با سلام دادن به کافر پیشتازی نمی کنم، و اگر سلام کرد به مانند سلامش جواب می دهم.
- 6- کوچکتر به بزرگتر سلام می دهد، و سوار بر پیاده، و راه رو به نشسته، و کم به زیاد.

آداب اجازه گرفتن:

س 20: آداب اجازه گرفتن را ذکر کنید؟

- ج- 1- قبل از ورود به محل اجازه می گیرم.
- 2- سه بار اجازه می گیرم نه بیشتر، و بعد از آن می روم.
- 3- به آرامی در را می کوبم و جلوی در نمی ایستم، بلکه در سمت راست یا چپ آن قرار می گیرم.
- 4- قبل از اجازه گرفتن به اتاق پدر و مادر و یا کسی دیگر داخل نمی شوم، به ویژه قبل از طلوع فجر و استراحت ظهر و بعد از نماز خفتن.
- 5- می توانم بدون اجازه وارد جاهای خالی از ساکنین مانند بیمارستان یا فروشگاه شوم.

آداب مهربانی با حیوان:

س 21: آداب مهربانی با حیوان را ذکر کنید؟

- ج- 1- به حیوان غذا و آب می دهم.
- 2- رحمت و شفقت با حیوان، و عدم حمل کردن بالای آن بیش از تحملش.
- 3- حیوانات را با هیچ عذاب و آزاری شکنجه نمی کنم.

آداب ورزش:

س 22: آداب ورزش را ذکر کنید؟

- ج-1- با ورزش نیت تقویت جهت اطاعت و رضامندی الله متعال می کنم.
- 2- در وقت نماز بازی نمی کنیم.
- 3- پسرها با دختران ورزش نمی کنند.
- 4- به لباس ورزش که عورت را بپوشاند ملتزم می باشم.
- 5- از ورزش های حرام مانند ضربه زدن به صورت و آشکار کردن عورت پرهیز می کنم.

آداب مزاح کردن:

س 23: برخی آداب مزاح کردن را ذکر کنید؟

- 1- راستی در مزاح و دروغ نگفتن.
- 2- مزاح هایی که عاری از تمسخر و استهزا و بدرفتاری و ترساندن باشد.
- 3- عدم مزاح زیاد.

آداب عطسه زدن:

س 24: آداب عطسه را ذکر کنید؟

ج-1- گذاشتن دست یا لباس یا دستمال هنگام عطسه.

2- حمد و ثنای الله بعد از عطسه، «الحمد لله». ثنا وصفت الله را است.

3- برادر یا همراهش به او بگوید: «یرحمك الله» «الله تو را رحمت کند».

و اگر چنین گفت در جواب بگوید: «یهدیکم الله ویصلح بالکم». « یعنی: الله شما را هدایت کند و احوال تان را اصلاح بگرداند».

آداب خمیازه کشیدن:

س 25: آداب خمیازه چیست؟

ج-1- تلاش برای کنترل کردن خمیازه.

2- بلند نکردن صدا با گفتن «هاااا».

3- گذاشتن دست روی دهان.

آداب تلاوت قرآن کریم:

س 26: آداب تلاوت را ذکر کنید؟

ج - 1 - بعد از وضو با طهارت تلاوت کردن.

2- مؤدبانه و با وقار نشستن.

3- در آغاز تلاوت از شیطان به الله پناه می برم.

4- در قرائت تدبر می کنم.

بخش اخلاق

س 1: فضیلت اخلاق نیکو را ذکر کنید؟

ج: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «کامل ترین مؤمنان از لحاظ ایمان، نیکوترین شان از لحاظ اخلاق هستند». روایت ترمذی و احمد.

س 2: چرا به اخلاق اسلامی پایبند باشیم؟

ج-1- زیرا سبب محبت الله متعال می گردد.

2- سبب محبت مردم می گردد.

3- سنگین ترین چیز در ترازو است.

4- اجر و ثواب با اخلاق نیک چند برابر می گردد.

5- نشانه ایمان کامل است.

س 3: اخلاق را از کجا باید بگیریم؟

ج- از قرآن کریم، الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾.

همانا این قرآن به راست و استوارترین طریقه هدایت می کند [سورة الإسراء: ۹].

و از سنت نبوی: آنجا که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «من مبعوث شدم تا اخلاق نیکو را کامل کنم» به روایت احمد.

س 4: اخلاق احسان و اشکال آن چیست؟

ج- احسان: مراقبت الله متعال بشکل دوامدار، تلاش در امور خیر، و نیکی با مخلوق می باشد.

پیامبر ﷺ فرمود: «الله متعال احسان را بر هر چیزی قرار داده است». به روایت مسلم.

از نمونه های احسان:

- احسان در عبادت الله متعال و اخلاص در عبادت اوست.

- احسان به پدر و مادر در گفتار و عمل.

- احسان به نزدیکان و خویشاوندان.
- احسان با همسایه.
- احسان با یتیمان و نیازمندان.
- احسان با کسی که با تو رفتار بد می کند.
- احسان در گفتار.
- احسان در گفتگو.
- احسان با حیوان.

س5: ضد احسان چیست؟

ج - ضد احسان بدی است.

- از آن جمله: ترک اخلاص در عبادت الله متعال.
- نافرمانی والدین.
- قطع صلۀ رحم با نزدیکان.
- همسایگی بد.
- ترک احسان با فقیران و مسکینان و دیگران از جمله کارها و گفتارهای بد می باشد.

س6: انواع و اشکال امانت چیست؟

ج-1- امانت در حفظ حقوق الله متعال.

اشکال آن: امانت در انجام عبادات مانند نماز، زکات، روزه، حج و غیره که الله متعال بالای ما فرض گردانیده است.

2- امانت در حفظ حقوق مردم:

- نگه داشتن نوامیس مردم.
- مال های مردم.
- خون شان.

و رازهای آنها، و همه چیزهایی که مردم به شما امانت سپرده اند.

الله متعال در بیان ویژگی های رستگاران می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ 8.

و کسانی که امانتها و پیمان خود را مراعات می کنند [سورة المؤمنون: ۸].

س 7: ضد امانت چیست؟

ج - خیانت عبارت است از ضایع نمودن حقوق الله متعال و مردم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: نشانه منافق سه است - از آن جمله - اگر به او امانت داده شود خیانت می کند. متفق علیه.

س 8: اخلاق راستگویی چیست؟

ج- بیان آن چیزی که مطابق واقعیت و یا چیزی که همانطور هست، باشد.

از اشکال آن:

- راستگویی در صحبت با مردم
- راستگویی در وعده
- راستگویی در هر گفتار و کردار.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «راستگویی به نیکی، و نیکی به بهشت رهنمایی می کند، و انسان راستگویی را پیشه می کند تا این که راستگویی خصلت او قرار گیرد». متفق علیه.

س 9: ضد راستگویی چیست؟

ج - دروغ، که خلاف حقیقت است، از جمله، دروغ به مردم، و عهدشکنی، و سوگند دروغ می باشد.

پیامبر ﷺ فرمود: «دروغ به فسق رهنمایی می کند، و فسق به آتش رهنمایی می کند، و انسان دروغ می گوید تا این که نزد الله به عنوان دروغگو نوشته شود». متفق علیه.

و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: نشانه منافق سه است - و از آن جمله ذکر کرد - هرگاه سخن بگوید دروغ می گوید، و هرگاه عهد بگذارد وعده خلافی می کند. متفق علیه.

س 10: انواع صبر را بیان کن؟

ج - صبر در طاعت الله متعال.

صبر از معصیت و گناه.

صبر بر قدر دردناک، و ستایش الله را در هر حال بجا آوردن.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ 146﴾

الله صبر کننده گان را دوست می دارد.

[سورة آل عمران: ۱۴۶].

و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «چه شگفت انگیز است امر مؤمن، زیرا همه امور او نیکو است، و این برای کسی جز مؤمن نیست». اگر به او سعادت می رسد، شکر می کند و برایش خیر است، و اگر مصیبت به او می رسد، صبر می کند و این برایش خیر است». به روایت مسلم.

س ۱۱: ضد صبر چیست؟

ج - عدم صبر در طاعت و عدم صبر از معصیت و نارضایتی قدر به گفتار یا عمل می باشد.

از اشکال آن:

- آرزوی مرگ.
- زدن به صورت.
- پاره کردن لباس.
- پخش احساسات.
- دعای بد برای از بین رفتن خویش.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: پاداش با تناسب بزرگی مصیبت می باشد، و اگر الله متعال قومی را دوست بدارد آنها را می آزماید، پس هر که راضی باشد برای او رضامندیست، و هر که بی قراری نماید برای او بی قراریست. از ترمذی و ابن ماجه روایت شده است.

س12: اخلاق همکاری را ذکر کنید؟

ج - آن عبارت از همکاری مردم در میان خود در امور حق و خیر می باشد.

اشکال همکاری:

- همکاری در اعاده حقوق.
- همکاری در دفع ظالم.
- همکاری در رفع نیازهای مردم و نیازمندان.
- همکاری در همه امور خیر.
- عدم همکاری در گناه و ضرر و تجاوز.

الله متعال می فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۲﴾.

و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از الله خوف کنید که الله سخت کیفر است (۲). [سوره مائده: 2].

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «مؤمن نسبت به مؤمن مانند ساختمان است، که یکدیگر را استحکام می بخشند» متفق علیه.

و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند، او را به دشمن تسلیم نمی کند، و هر کس نیاز برادرش را مرفوع نماید، الله متعال نیاز او را مرفوع می دارد، و هر کس یک سختی مسلمان را دور کند، الله متعال یکی از سختی های روز قیامت را از او دور می کند، و هر که عیب مسلمانی را پنهان کند، الله متعال عیب او را در روز قیامت می پوشاند». متفق علیه.

س13: انواع اخلاق حیا کدام ها اند؟

الف-1- حیا از الله متعال: آن است که او تعالی را نافرمانی نکنی.

2- حیا از مردم: از آن جمله پرهیز از سخنان ناپسندیده و ناسزا و آشکار کردن عورت است.

رسول الله ﷺ فرمود: «ایمان هفتاد و چند و یا (شصت و چند) شاخه می باشد، که بالاترین آن گفتن: لا اله الا الله است، و پایین ترین آن: برداشتن چیزی اذیت کننده از راه می باشد، و حیا شاخه ای از ایمان است.» به روایت مسلم.

س 14: اشکال اخلاق رحمت را ذکر کنید؟

ج - ترحم و احترام به سالمندان.

- شفقت بر کم سنان و کودکان.

- ترحم بر فقرا و مساکین و نیازمندان.

- ترحم بر حیوان با غذا دادن و آسیب نرساندن به آن.

از آن جمله فرموده پیامبر (صلی الله علیه وسلم) که می فرماید: مؤمنان را در شفقت و محبت و همدردی با یکدیگر مانند یک بدن هستند، اگر یک عضو آن به درد آید، بقیه بدنش را بی خوابی و تب فرا می گیرد. متفق علیه.

رسول الله ﷺ فرمود: «رحم کننده گان را رحمان مورد رحمت خود قرار می دهد، بر اهل زمین رحم کنید، تا ذاتی که در آسمان است به شما رحم کند.» از ابوداود و ترمذی روایت شده است.

س 15: انواع اخلاق محبت کدام ها اند؟

ج- محبت الله متعال.

الله می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾

کسانی که ایمان آورده اند به الله محبت بیشتری دارند.

[سوره بقره: 165].

محبت پیامبر ﷺ.

فرمود: «سوگند به کسی که جان من در اختیار اوست، هیچ یک از شما ایمان نمی آورد، مگر اینکه من نزد او از پدر و پسرش عزیزتر باشم.» روایت بخاری.

دوستی با مومنان، و دوست داشتن خیر برای آنها همانطوری که تو برای خود دوست داری.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «هیچ یک از شما ایمان نمی آورد تا آنکه برای برادرش آنچه را دوست بدارد که برای خود دوست می دارد». به روایت بخاری.

س 16: بشاشت و پیشانی باز را تعریف کن؟

ج - آن عبارت از پیشانی بازی، همراه با شادی و تبسم و مهربانی، و ابراز خوشی هنگام ملاقات با مردم است.

این برعکس پیشانی ترشی در مقابل مردم است که آنها را از خود دور می کند.

و در فضیلت آن حدیث های وجود دارد، و از ابوذر (رضی الله عنه) روایت شده که گفت: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به من فرمود: «هیچ چیز خوبی را تحقیر مکن، حتی اگر برادرت را با چهره ای بشاشت و گشاده رویی ملاقات کنی». به روایت مسلم.

رسول الله ﷺ فرمود: لبخند تو در مقابل برادرت برای تو صدقه است. به روایت ترمذی.

س 17: حسد چیست؟

ج- آرزوی زوال نعمت از دیگران یا خوش نداشتن نعمت بر دیگران است.

الله متعال فرمود: ﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝۵﴾

و از شر [هر] حسود آنگاه که حسد ورزد (۵)

از انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «از یکدیگر متنفر نباشید، به یکدیگر حسادت نکنید، از یکدیگر رونگردانید، و با هم -بنده گان الله - برادر باشید». روایت از بخاری و مسلم.

س 18: تمسخر چیست؟

ج - آن عبارت از تمسخر و تحقیر برادر مسلمانان است، و این جایز نیست.

الله متعال در مورد حرام بودن آن فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ 11﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را تمسخر کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [تمسخر کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب های زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند (۱۱) [سورة الحجرات: ۱۱].

س 19: تواضع را تعریف کنید؟

ج- آن است که انسان در برابر مردم نفس خود را برتر نبیند، و مردم را حقیر نشمارد و حق را رد نکند.

- الله متعال می فرماید: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾

و بندگان رحمان کسانی هستند که در زمین با فروتنی راه می روند. [سورة الفرقان: ۶۳]،

یعنی: فروتنان.

- رسول الله ﷺ فرمود: «هیچ کس در برابر الله فروتنی نمی کند مگر اینکه الله او را رفعت و بلندی بخشد». به روایت مسلم.

- و او (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «الله به من وحی کرد که فروتن باشیم، تا هیچ کس به دیگری مغرور نگردد و به دیگری ستم نکند». به روایت مسلم.

س 20: انواع تکبر حرام کدامند؟

ج-1- تکبر در برابر حق، و آن رد نمودن حق و عدم پذیرش آن است.

2- تکبر نسبت به مردم، و به چشم حقارت دیدن و کوچک شمردن آنان است.

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که ذره‌ای تکبر در دلش باشد وارد بهشت نمی‌شود».

مردی گفت: یک مرد دوست دارد لباس و کفشش خوب باشد؟ او گفت: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، الْكِبْرُ: بَطْرُ الْحَقِّ، وَغَمَطُ النَّاسِ» «الله زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد، تکبر: رد نمودن حق، و تحقیر مردم است». به روایت مسلم.

بطرالحق: رد نمودن حق.

غمط الناس: تحقیر مردم.

لباس خوب و کفش خوب تکبر نیست.

س 21: بعضی از انواع تقلب حرام را ذکر کنید؟

ج- تقلب در خرید و فروش، و آن کتمان عیب در کالا می‌باشد.

تقلب در فراگیری علم، مانند نقل کردن دانش آموزان در امتحانات.

تقلب در گفتار مانند گواهی دروغ و دروغ گفتن است.

وفا نکردن به آنچه می‌گویید و آنچه با مردم توافق کرده‌اید.

در مورد نهی از تقلب، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از جلو انباری (کومه) از غذا عبور می‌کرد، دستش را در آن نهاد، انگشتانش خیس شد، گفت: این چیست ای صاحب غذا؟ گفت: باران بر آن رسیده یا رسول الله. وی گفت: «آیا آن را روی غذا قرار ندادی تا مردم آن را ببینند؟ هر که خیانت کند از من نیست.» «آیا آن را روی غذا قرار ندادی تا مردم آن را ببینند؟ هر که خیانت کند از من نیست.» به روایت مسلم

الصبرة: انبار و یا کومه غذا.

س 22: غیبت چیست؟

ج - یاد کردن برادر مسلمانان به آنچه را که دوست ندارد در حالی که حضور نداشته باشد.

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ 12﴾

و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از الله بترسید که الله توبه پذیر مهربان است (۱۲) [سورة الحجرات: ۱۲].

س 23: سخن چینی را تعریف کنید؟

ج- نقل سخنان بین مردم جهت ایجاد فساد در میان ایشان.

- رسول الله ﷺ فرمود: سخن چین وارد بهشت نمی شود. به روایت مسلم.

س 24: کسالت چیست؟

ج- تنبلی از انجام نمودن کار خیر و هر آنچه که انسان آن را باید انجام دهد.

از آن جمله: تنبلی در کارهای واجب.

الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا 142﴾

منافقان با الله نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می کنند و الله را جز اندکی یاد نمی کنند (۱۴۲) [سورة النساء: ۱۴۲].

مؤمن باید تنبلی و سستی و نشستن را ترک کند، برای کار و حرکت در این زندگی در اموری سعی و مجاهدت نماید که الله متعال راضی باشد.

س 25: انواع غضب را ذکر کنید؟

ج- 1- خشم پسندیده: و آن خشمی است که برای الله متعال باشد، هرگاه کفار و منافقان و دیگران هتک حرمت الله متعال را مرتکب شوند.

2- خشم ناپسند: خشمی است که انسان را وادار به کار و یا گفتاری نماید که مناسب نباشد.

درمان خشم ناپسند:

وضوء.

اگر ایستاده باشد بنشیند، و اگر نشسته باشد دراز بکشد.

به دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در این زمینه عمل کند: «قهر مکن».

هنگام خشم نفس خود را از واکنش نشان دادند منع کند.

پناه بردن به الله از شر شیطان رانده شده.

خاموشی.

س 26: جاسوسی چیست؟

ج - کشف و جستجوی عیب ها و رازهای مردم و آنچه را پنهان می دارند.

از اشکال حرام آن:

- مطلع شدن از عیب ها و رازهای مردم در خانه ها.

- گوش دادن به سخنان مردم بدون اطلاع آنان.

الله متعال می فرماید: "و جاسوسی نکنید..."

[سورة الحجرات: ۱۲].

س 27: اسراف چیست؟ و بخل چیست؟ و سخاوت چیست؟

ج- اسراف: مصرف نمودن مال بغیر حق آن.

و ضد آن: بخل: عدم مصرف نمودن حق خود.

آنچه درست است وسط آن دو است، و اینکه مسلمان باید سخاوتمند باشد.

الله متعال فرموده اند: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

67

و کسانی اند که چون انفاق کنند نه اسراف می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی گزینند (۶۷). [سوره فرقان، آیه ۶۷].

س 28: بزدلی چیست؟ و شجاعت چیست؟

ج- بزدلی: ترس از آنچه که نباید از آن ترسید

مانند ترس از گفتن حق و انکار منکر.

شجاعت: پیشتازی در حق می باشد، مانند پیشقدم شدن در جبهه های جهاد برای دفاع از اسلام و مسلمانان.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در دعای خود می فرمودند: الهی از بزدلی به تو پناه می برم...».

رسول الله ﷺ فرمود: مؤمن قوی نزد الله بهتر و محبوبتر از مؤمن ضعیف است، و در همه آنها خیر است. به روایت مسلم.

س 29: برخی از گفتارهای حرام زبانی را ذکر کنید؟

ج - مانند لعن گفتن و دشنام دادن.

و مانند این که فلان بگوید «حیوان» یا شبیه این حرف ها.

یا ذکر عورت ها از حرف های فحش و بد زبانی.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از همه اینها نهی کرد و فرمود: «مؤمن نمی توان طعنه دهنده، فُحش دهنده، و بد زبان باشد». از ترمذی و ابن حبان روایت شده است.

س 30: عواملی را ذکر کنید که باعث اخلاق نیکو در مسلمان می گردد؟

ج-1- دعا کردن، این که الله به شما خلق نیکو عنایت فرماید و شما را در آن یاری دهد.

2- مراقبت الله متعال، و اینکه وی از شما آگاه است و می شنود و شما را می بیند.

3- ثواب خوش اخلاقی را به خاطر بسپار و اینکه سبب ورود به بهشت می شود.

4- عاقبت بد اخلاقی را به خاطر بسپار، و این که سبب ورود به آتش می شود.

5- اخلاق نیک، محبت الله متعال و محبت مخلوق وی را به همراه دارد، و بد اخلاقی، بی زاری الله و مخلوق وی را به همراه دارد.

6- خواندن سیرت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و پیروی از وی.

7- همنشینی با افراد خوب، و دوری از همنشینی با افراد بد.

بخش دعاها و ادکار

س 1: فضیلت ذکر چیست؟

ج- پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: « مثال کسی که ذکر پروردگارش را می کند و کسی که ذکر وی را نمی کند، مانند زنده و مرده اند». به روایت بخاری.

- به همین دلیل ارزش زندگی انسان به اندازه ذکر او از الله متعال است.

س 2: برخی از فواید ذکر را تذکر دهید؟

ج-1- الله را خشنود می سازد.

2- شیطان را می راند.

3- مسلمان را از بدی ها حفظ می کند.

4- سبب حصول اجر و پاداش می گردد.

س 3: بهترین ذکر چیست؟

ج - لا اله الا الله. از ترمذی و ابن ماجه روایت شده است.

س 4: وقتی از خواب بلند می شوی چه می گویی؟

ج - «الحمد لله الذي أحيانا بعد ما أماتنا، وإليه النشور» حمد و ستایش مخصوص الله است که ما را پس از مردن زنده نمود، و دوباره زنده شدن بسوی او است. متفق علیه.

س 5: هنگام لباس پوشیدن چه می گویی؟

ج - «الحمد لله الذي كساني هذا الثوب ورزقنيه من غير حول مني ولا قوة»

سپاس الله را که این جامه را بر من پوشاند و ارزانی فرمود، بدون این که هیچ توان و قدرتی بر آن داشته باشم. روایت ابوداود و ترمذی و دیگران.

س 6: هنگام درآوردن لباس چه می گوئید؟

ج- «بسم الله» به نام الله به روایت ترمذی.

س 7: دعایی پوشیدن جامه نو چه است؟

ج - «اللهم لك الحمد أنت كسوتنيه، أسألك خيره وخير ما صنع له، وأعوذ بك من شره وشر ما صنع له»

«الهی همه ستایش تو را است، تو مرا لباس پوشانیدی، از تو می خواهم خیر آن و خیر آنچه را برای آن آفریده شده است، و به تو پناه می برم از شر آن و بدی که برای آن آفریده شده است.» از ابوداود و ترمذی روایت شده است.

س 8: کسی که جامه نو بپوشد چه دعای دارد؟

ج - اگر جامه نو بر تن کسی دیدی برای آن دعا کن و بگو: «تُبَّيِّ وَيُخْلَفُ اللَّهُ تَعَالَى»

«فرسوده می شود و الله متعال دیگری عنایت می کند» روایت ابوداود.

س 9: دعای دخول بیت الخلاء که محل قضای حاجت است را ذکر کنید؟

ج - «اللهم إني أعوذ بك من الخبث والخبائث»

الهی از شیطانان (جن های) مرد و زن به تو پناه می برم. متفق علیه

س 10: دعای خروج از بیت الخلاء چیست؟

ج - «غفرانك»

"الهی ببخشا" از ابوداود و ترمذی روایت شده است.

س 11: قبل از وضو چه می گویی؟

ج - «بسم الله» به نام الله روایت ابوداود و دیگران.

س 12: دعای بعد از وضو چیست؟

ج - «أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله» شهادت می دهم که معبودی جز الله نیست و تنها بی همتا است، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. به روایت مسلم.

س 13: دعای خروج از منزل چیست؟

ج - «بسم الله، توكلت على الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله»

بسم الله، بر الله توکل کردم، و هیچ نیرو و قدرتی جز به الله نیست. از ابوداود و ترمذی روایت شده است.

س 14: دعای ورود به خانه چیست؟

ج - «بسم الله ولجنا، وبسم الله خرجنا، وعلى الله ربنا توكلنا»، ثم ليسلم على أهله «بنام الله داخل شدیم، و بنام الله خارج شدیم، و بر الله؛ پروردگاران توکل کردیم.» سپس به خانواده خود سلام دهد. روایت ابوداود.

س 15: دعای ورود به مسجد چیست؟

ج - «اللهم افتح لي أبواب رحمتك» «الهی درهای رحمتت را بر من بگشا» به روایت مسلم.

س 16: دعای خروج از مسجد را ذکر کنید؟

ج - «اللهم إني أسألك من فضلك» رواه مسلم. «الهی فضل تو را می طلبم» به روایت مسلم.

س 17: هنگام شنیدن اذان چه می گوید؟

ج - همان را می گویم که مؤذن می گوید مگر در: «حي على الصلاة» و «حي على الفلاح»، می گویم که: «لا حول ولا قوة إلا بالله». متفق عليه.

س 18: بعد از اذان چه می گوید؟

ج- (بر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) درود بفرست) به روایت مسلم.

و بگو: «اللهم رب هذه الدعوة التامة، والصلاة القائمة، آت محمداً الوسيلة والفضيلة، وابعثه مقاماً محموداً الذي وعدته»

«الهی پروردگار این اذان و نماز برپا شده، به محمد وسیله و فضیلت عطا کن، و او را به جایگاه ستوده‌ای که به او وعده داده‌ای بفرست». بخاری.

و بین اذان و اقامت دعا کن، چون زمان استجاب دعا می باشد.

س 19: در اذکار صبح و شام چه می گوئید؟

ج-1- آیت کرسی را تلاوت می کنم: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ 255

الله است که معبودی جز او نیست زنده و برپا دارنده است نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خواب گران. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند. آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند و به چیزی از علم او جز به آنچه بخواهد احاطه نمی یابند کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آنها بر او دشوار نیست و اوست والای بزرگ (۲۵۵) سوره بقره: 255.

2- و می خوانم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (1).

بگو اوست الله یگانه (۱).

اللَّهُ الصَّمَدُ (2).

الله بی نیاز (۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (3).

زاده و زاده نشده است (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (4) ﴿

و هیچ کس او را همتا نیست.

(۴) سه مرتبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (1)﴾.

بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (2).

از شر آنچه آفریده (۲).

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (3).

و از شر تاریکی چون فراگیرد (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (4).

و از شر دمندگان افسون در گره ها (۴).

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (5) ﴿﴾

و از شر [هر] حسود آنگاه که حسد ورزد.

(۵) سه مرتبه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنام الله بخشاینده و مهربان.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (1)﴾

بگو پناه می برم به پروردگار مردم (۱).

مَلِكِ النَّاسِ (2)

پادشاه مردم (۲).

إِلَهِ النَّاسِ (3)

معبود مردم (۳).

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (4)

از شر وسوسه گر پنهان کار (4)

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (5)

آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند (۵)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (6)﴾

چه از جن و [چه از] انس.

(۶) سه مرتبه.

3- «اللهم أنت ربّي لا إله إلا أنت، خلقتني وأنا عبدك، وأنا على عهدك ووعدك ما استطعت، أعوذ بك من شر ما صنعت، أبوء لك بنعمتك علي، وأبوء بذنبي، فاغفر لي، فإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت».

«الهی تو پروردگار من هستی، معبودی جز تو نیست، تو مرا آفریدی و من بنده تو هستم، و تا می توانم به عهد و وعده تو پایبندم، از شر چیزی که انجام داده ام به تو پناه می برم، نعمت تو را بر من اعتراف نموده، و به گناهم نیز اعتراف می کنم، پس مرا ببخش که جز تو بخشاینده گناهان نیست».

به روایت بخاری.

س 20: هنگام خواب چه می گوئید؟

ج - «باسمك اللهم أموت وأحيا»

الهی به نام تو می میرم و زنده می شوم. متفق علیه.

س 21: قبل از خوردن غذا چه می گوئید؟

ج- بسم الله.

بنام الله.

و اگر در ابتدا فراموش کردید، بگوئید: «بسم الله في أوله وآخره»

«به نام الله در آغاز غذا و پایان آن». از ابوداود و ترمذی روایت شده است.

س 22: وقتی غذا را تمام می کنید چه می گوئید؟

ج - «الحمد لله الذي أطعمني هذا، ورزقنيه، من غير حول مني ولا قوة»

ستایش الله را که این را به من اطعام کرد، و به من روزی داد، بدون هیچ نیرو و قدرتم. از ابوداود و ابن ماجه و دیگران روایت شده است.

س 23: دعای مهمان برای صاحب غذا چیست؟

ج- «اللهم بارك لهم فيما رزقتهم، واغفر لهم وارحمهم» «الله به آنچه روزی شان کرده ای برکت بده و آنها را بیامرزد و رحمتشان کن». به روایت مسلم.

س 24: هرگاه انسان عطسه بزند چه باید بگوئید؟

ج- «الحمد لله» «ثنا و ستایش الله را است».

و برادر یا همراهش به او بگوئید: «یرحمک الله» الله شما را رحمت کند.

و برادر یا همراهش به او بگوئید: «یهدیکم الله ویصلح بالکم» «الله تو را هدایت نموده و امورت را اصلاح کند». به روایت بخاری.

س 25: هرگاه مجلس را تمام و از آن بلند می شوید چه می گوئید «دعای کفاره مجلس»؟

ج - «سبحانك اللهم وبحمدك، أشهد أن لا إله إلا أنت، أستغفرك وأتوب إليك»

منزهی یا الله و ستایش از آن تو است، گواهی می‌دهم که معبودی جز تو نیست، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو بر می‌گردم. روایت ابوداود و ترمذی و دیگران.

س 26: دعای سواری چیست؟

ج- بسم الله و الحمد لله: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ 13 وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ 14﴾، «الحمد لله، الحمد لله، الحمد لله، الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، سبحانك اللهم إني ظلمت نفسي فاغفر لي؛ فإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت».

بنام الله و ستایش الله را: پاک است ذاتی که این را برای ما رام کرد و [گرنه] ما را توانمندی [رام ساختن] آنها نبود (۱۳) و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت (۱۴).

ستایش الله را، ستایش الله را، ستایش الله را، الله بزرگ است، الله بزرگ است، الله بزرگ است، الله تو منزهی، من به خود ستم کردم، مرا ببخش؛ هیچ کس جز تو گناهان را نمی‌بخشد.» از ابوداود و ترمذی روایت شده است.

س 27: دعای سفر را ذکر کنید؟

ج - «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ 13 وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ 14﴾، اللهم إنا نسألك في سفرنا هذا البر والتقوى ومن العمل ما ترضى، اللهم هون علينا سفرنا هذا، واطو عنا بعده، اللهم أنت الصاحب في السفر، والخليفة في الأهل، اللهم إني أعوذ بك من وعثاء السفر، وكآبة المنظر، وسوء المنقلب، في المال والأهل»

«الله بزرگ است، الله بزرگ است، الله بزرگ است) پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و [گرنه] ما را توانمندی [رام ساختن] آنها نبود (۱۳) و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت (،) الهی در این سفر مان از تو نیکی و تقوا و عملی که تو از آن راضی باشی می‌خواهیم، الهی سختی های سفر را برای ما آسان نما، و دوری آن را از ما برچین، الهی تو همنشین در سفری، و خلیفه در خانواده هستی، الهی به تو پناه می‌بریم از مشقت سفر و منظره بد و تغییر ناپسند در مال و خانواده.

و هرگاه برگشت همین دعا را تکرار نموده، و اضافه می‌نماید:

«ما درحالی باز می گردیم که توبه کنندگان، عبادت گزاران و ستایش گران پروردگاران هستیم».
روایت مسلم.

س 29: دعای مقیم برای مسافر چیست؟

ج - «أستودعکم الله الذی لا تضیع ودائعہ».

شما را به الله می سپارم که نزد او امانت ها ضایع نمی گردند. روایت احمد و ترمذی.

س 30: دعای مقیم به مسافر چیست؟

ج - «أستودع الله دینک، وأمانتک، وخواتیم عملک». دین، امانت، و خاتمه کار شما را به الله می سپارم. روایت احمد و ترمذی.

س 30: دعای ورود به بازار چیست؟

ج - «لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك، وله الحمد، یحیی ویمیت، وهو حی لا یموت، بیده الخیر، وهو علی کل شیء قذیر»

«نیست معبود بر حق جز الله یگانه و بی همتا، پادشاهی از آن اوست، و حمد و ستایش از آن اوست، زنده می کند و می میراند، و او زنده است و نمی میرد، خیر در دست اوست، و او بر همه چیز توانا است.» از ترمذی و ابن ماجه روایت شده است.

س 31: دعای هنگام خشم را ذکر کنید؟

ج - «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم»

پناه می برم به الله از شیطان رانده شده. متفق علیه.

س 32: کسی که به شما نیکی نماید چه باید بگوید؟

ج- «جزاک الله خیرا»

«الله خیرت دهد» به روایت ترمذی.

س 33: هرگاه وسیله نقل حالت طبیعی نداشته باشد، چه دعایی دارد؟

ج- «بسم الله»

بنام الله به روایت ابوداود.

س34: اگر برای تو چیزی خوش آیند رخ دهد چه می گوید؟

ج - «الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات»

حمد و ستایش مخصوص الله است که اعمال نیک به فضل او انجام می شود. روایت حاکم و دیگران.

س35: اگر برای تو چیزی ناخوش آیند رخ دهد چه می گوید؟

ج - «الحمد لله على كل حال»

«الهی تو را به هر حال ثنا و ستایش است». صحیح جامع.

س36: نحوه سلام و جواب آن چگونه است؟

ج - مسلمان می گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و برادرش به او پاسخ می دهد: «وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» در ترمذی و ابوداود و دیگران.

س37: دعاء هنگام بارش باران چه می باشد؟

ج - «اللهم صيباً نافعاً»

«الهی این باران را سودمند بگردان». بخاری.

س38: پس از باریدن باران چه دعایی می شود؟

ج - «مطرنا بفضل الله ورحمته»

«برای ما به فضل و رحمت الله باران بارید». بخاری و مسلم.

س39: دعای باد (طوفان) را ذکر کنید؟

ج - «اللهم إني أسألك خيرها وأعوذ بك من شرها»

الهی خیر آن را از تو می خواهم و از شر آن به تو پناه می برم. ابوداود و ابن ماجه.

س40: دعای رعد و برق را ذکر کنید؟

ج - «سبحان الذي يسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته».

منزه است ذاتی که رعد به ستایش او تسبیح می گوید و فرشتگان از ترس او تسبیح می گویند. موطأ مالک

س 41: هرگاه مصیبت زده را دیدی، چه دعایی دارد؟

ج - «الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به، وفضلني على كثيرٍ ممن خلق تفضيلاً»

سپاس الله را که مرا از آنچه تو را گرفتار نموده نجات داد، و بر بسیاری از مخلوق برتری داد. به روایت ترمذی.

س 42: دعا برای کسی که می ترسد توسط چشم او اتفاقی بیفتد؟

ج - در حدیث: «اگر یکی از شما چیزی از برادرش یا از خود یا از مال خود ببیند و برایش شگفت آور بود [برای او دعا برکت کند] چون چشم بد حق است». از احمد و ابن ماجه و دیگران روایت کرده اند.

س 43: چگونه بر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) درود می فرستید؟

(ج) - «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»

یا الله نزول رحمت فرما بر محمد و خاندان محمد به مثل رحمت که بر ابراهیم و بر خاندان آن فرموده ای بی شک تو قابل ستایش و بزرگ هستی. یا الله نزول برکت فرما بر محمد و خاندان محمد به مثل برکت که بر ابراهیم و بر خاندان آن فرموده ای بی شک تو قابل ستایش و بزرگ هستی. متفق علیه.

بخش موارد مختلف

س1: پنج احکام تکلیفی کدام ها اند؟

ج-1- واجب.

2- مستحب.

3- حرام.

4- مکروه.

5- مباح.

س2: این پنج احکام را توضیح دهید؟

ج-1- واجب (فرض): مانند نمازهای پنجگانه، روزه ماه مبارک رمضان و نیکی با پدر و مادر.

انجام دهنده واجب (فرض) مستحق ثواب می شود و ترک کننده آن مجازات می شود.

2- مستحب: مانند نمازهای سنت، نماز تهجد، غذا دادن و سلام دادن. و آن را سنت و مندوب گویند.

انجام دهنده مستحب مستحق ثواب می گردد و ترک کننده آن مجازات نمی شود.

یادداشت مهم:

هرگاه مسلمان بشنود که این کار سنت یا مستحب است، باید در انجام دادن آن بشتابد، و از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) پیروی بکند.

3- حرام: مانند نوشیدن شراب، نافرمانی پدر و مادر و قطع پیوند خویشاوندی.

- ترک کننده حرام مستحق پاداش می شود و انجام دهنده آن مجازات می شود.

4- مکروه: مانند گرفتن و دادن با دست چپ، و جمع کردن لباس در نماز.

- ترک کننده مکروه مستحق پاداش می باشد و مرتکب آن مجازات نمی شود.

5- مباح: مانند خوردن سیب و نوشیدن چای و به آن می گویند: حلال و مباح.

ترک کننده مباح مستحق پاداش نمی گردد و مرتکب آن مجازات نمی شود.

س3: خرید و فروش و معاملات چه حکمی دارد؟

ج - اصل در همه خرید و فروش و معاملات، حلال بودن آنهاست، مگر برخی از چیزهایی که الله متعال از آنها نهی کرده است.

الله متعال می فرماید: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ و الله داد و ستد را حلال و سود را حرام کرده است. [سوره بقره: 275].

س4: انواع معاملات و بیع حرام را ذکر کنید؟

ج-1- فریب دادن، از جمله: پنهان کردن عیب کالا.

از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از انبار غذا - گذشت و دستش را در آن گذاشت انگشتانش خیس شد گفت: ای صاحب غذا این چیست؟ گفت: آب باران برایش رسیده یا رسول الله. وی گفت: «آیا ممکن نبود آن را روی غذا بگذاری تا مردم آن را ببینند؟ هر که فریب دهد از من نیست.» به روایت مسلم.

2- سود: از آن جمله، این که از کسی مقدار هزار قرض بگیریم مشروط بر این که هنگام برگرداندن دو هزار تحویل بدهم.

این افزایش، سود حرام است.

الله متعال می فرماید: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (و الله داد و ستد را حلال و سود را حرام نموده است.) [سوره بقره: 275].

3- غرر و جهالت: مانند این که در پستان گوسفند، یا ماهی را که در آب است و هنوز آن را شکار نکرده باشم به تو بفروشم.

در حدیث آمده است: (رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از خرید و فروش غرر نهی کرده است) به روایت مسلم.

س5: برخی از نعمت های الله که برای تو داده است ذکر کنید؟

ج - 1 - نعمت اسلام، و این که تو از اهل کفر نیستی.

2- نعمت سنت، و این که تو از اهل بدعت نیستی.

3- نعمت سلامتی و تندرستی، از جمله شنیدن، دیدن، راه رفتن و غیره.

4- نعمت خوردن و نوشیدن و پوشاک.

و نعمت های الله متعال بر ما بسیار و بی حساب است.

الله متعال می فرماید: ﴿وَأِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۱۸﴾

و اگر نعمت [های] الله را شمارش کنید آن را نمی توانید بشمارید قطعا الله آمرزنده مهربان است (۱۸).

[سورة النحل: ۱۸].

س6: واجب در نعمت ها چیست؟ و چگونه شکر آن را ادا می کنید؟

ج - واجب در نعمت: بیان شکر آن با حمد و ثنای الله متعال توسط زبان، و این که او تنها صاحب فضل این نعمت هاست، و از این نعمت ها در راه رضای الله متعال استفاده شود نه در معصیت و نافرمانی او.

س7: عید های مسلمانان کدام ها اند؟

ج- عید فطر و عید قربان.

- چنانکه در حدیث انس آمده که می گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به مدینه آمد و اهل مدینه دو روز داشتند که در آن بازی می نمودند، فرمود: «این دو روز چیست؟» گفتند: «در زمان جاهلیت در این دو روز بازی می کردیم، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «الله آنها را برای شما با چیزی بهتر از آنها عوض کرده است: روز قربان و روز فطر». روایت ابوداود.

و اضافه از این دو روز از عیدهای، بدعت است.

س8: بهترین ماه ها کدام است؟
ج- ماه رمضان.

س9: بهترین روزها کدام است؟
ج- روز جمعه.

س10: بهترین روز سال چه روزی است؟
ج- روز عرفه.

س11: بهترین شب سال کدام است؟
ج- شب قدر.

س12: اگر زن نامحرم را دیدید چه باید کرد؟

ج: واجب پایان انداختن نگاه است، الله متعال فرمود: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾
به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند [سوره نور: 30].

س13: دشمنان انسان چه کسانی هستند؟

1- نفس امر کننده به بدی: آن است که انسان در معصیت الله تبارک و تعالی از آنچه نفس و امیالش به او حکم می کند پیروی کند، الله متعال فرمود: ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

هر آئینه نفس به بدی امر می کند مگر کسی را که الله رحم کند زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است.

[سوره یوسف: 53].

2- شیطان: او دشمن ابن آدم است و هدفش گمراه کردن انسان و آنان را به بدی وسوسه نمودن است تا وارد آتش جهنم گردند. الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾

و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. [سوره بقره: 168].

3- دوستان بد: تشویق کنندگان به بدی و جلوگیری کننده گان از خیر. الله متعال می فرماید:

﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾

در آن روز یاران جز پرهیزگاران بعضی شان دشمن بعضی دیگرند (۶۷) [سوره زخرف: 67].

س 14: توبه چیست؟

ج - توبه: بازگشت از نافرمانی الله متعال به اطاعت از وی می باشد. الله متعال می فرماید:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾

«و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود». [سوره طه: 82].

س 15: شرایط توبه صحیح چیست؟

ج-1- ترک گناه.

2- پشیمانی از آنچه گذشت.

3- عزم به عدم بازگشت به آن.

4- برگرداندن حقوق و مظالم به اهل آن.

الله متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يَصِرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ 135.

و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند الله را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند و چه کسی جز الله گناهان را می آمرزد و بر آنچه مرتکب شده اند با آنکه می دانند [که گناه است] پافشاری نمی کنند (۱۳۵) [سوره آل عمران: ۱۳۵].

س 16: معنای درود بر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) چیست؟

ج - معنای آن اینست که شما به الله متعال دعا می کنید تا ستایش پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) را در الملأ الأعلى عنایت بفرماید.

س 17: معنای سبحان الله چیست؟

ج- تسبیح به معنی به پاکیزگی یاد کردن الله متعال از هر نقص و عیب و بدی است.

س 18: معنای الحمد لله چیست؟

ج- حمد و ثنای الله متعال، و وصف وی با تمام صفات کمال می باشد.

س 19: معنای الله اکبر چیست؟

ج- یعنی او تعالی از همه چیز بزرگتر و والاتر، عظیم تر، و عزیزتر است.

س 20: معنای لا حول ولا قوة الا بالله چه است؟

ج - معنی آن: بنده از حالتی به حالت دیگر تبدیل نمی شود و بر آن قدرتی نمی داشته باشد جز به وسیله الله متعال.

س 21: معنای استغفر الله چیست؟

ج - یعنی: خواست بنده از پروردگارش که گناهانش را پاک کند و عیب هایش را بپوشاند.

پایان

و در اخیر:

اینها سوالاتی اند که والدین باید برای فرزندان توضیح دهند و تکرار کنند تا با گفتار و عمل و اعتقاد درست رشد کنند، و تربیت آنها با این روش مهمتر از غذا دادن و لباس پوشانیدن فرزندان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ 6﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیضم آن انسان ها و سنگ ها است نگهدارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گماشته شده اند که خشن و سختگیرند، و هرگز مخالفت فرمان الله را نمی کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می نمایند! [سورة التحريم: 6].

رسول الله ﷺ فرمود: مرد بر اهل خانه خود نگهبان است و مسئول زیر دستان خود است، و زن بر اهل خانه شوهرش نگهبان است و مسئول آنان است. بخاری و مسلم.

و درود الله بر سرور ما محمد و همه خاندان و یارانیش باد.